



انجمن نجات
استان اردبیل

افشاگری مصطفی بهشتی
در گشت و گو با «تاپ چنل» آلبانی

جوانان ایرانی از مقر «مانز»
برای اغتشاش تحریک می‌شوند
۲۰ سال مرا از دیدار مادرم محروم کردند



فراق نامه

● فصلنامه خبری - تحلیلی ● تابستان ۱۴۰۲ ● شماره ۳۴

خروش خانواده‌های عضو انجمن نجات برای رهاسازی اعضای فرقه رجوی

مسیر نجات از کوی خانواده می‌گذرد

آلبانی در یک بزنگاه تاریخی قرار گرفته است



● مدیر عامل انجمن نجات: مهیا شدن شرایط سفر خانواده‌ها به آلبانی خواسته اصلی اعضای انجمن است ● بغض‌های در گلوئ حمید آتابای در گفت و گو با شبکه تلویزیونی آلبانی: نگذاشتند خواهر بیمارم قبل از مرگش مرا ببیند ● تهیه‌کننده مستند «خبریه اشرف» تشریح کرد: ۲ سناریو درباره آینده فرقه رجوی ● گفت و گو با مریم سنجابی در ارتباط با وقایع اخیر پیرامون فرقه رجوی: دولت آلبانی با همه افراد درون کمپ مصاحبه کند ● ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ یک سرفصل جدید برای فرقه رجوی: باید منتظر خبرهای خوش برای خانواده‌ها و اعضای گرفتار بود

بیشتر مردم آلبانی
شناخت اشتباه از
«مجاهدین خلق» دارند



افشاگری «مسعود خدابنده»
از پشت پرده مدارک سوزانده شده در «اشرف ۳»
اگر اعضای باقی مانده نجات پیدا
تکنند، فاجعه انسانی رخ می‌دهد
باید اجازه دهند خانواده‌ها ببینند
و این‌ها را ببرند



مدیر عامل انجمن نجات

مهیا شدن شرایط سفر خانواده‌ها به آلبانی خواسته اصلی اعضای انجمن است



مدیر عامل انجمن نجات گفت: مهیا شدن شرایط سفر خانواده‌ها به آلبانی و رهایی ساکنان کمپ «شرف ۳» و ورود آن‌ها به جهان آزاد از مهم‌ترین خواسته‌های خانواده‌های انجمن نجات است.

به گزارش فراق، ابراهیم خداینده ۹ تیر ماه در تجمع خانواده‌های عضو انجمن نجات مقابل سفارت ترکیه در سخنانی، اقدامات اخیر دولت آلبانی پس از هفت سال حمایت از سازمان مجاهدین خلق را تحولاتی مهم دانست چرا که تهدید فرقه رجوی برای امنیت کشور آلبانی را انجمن نجات از نخستین روزهای استقرار این تشکیلات در خاک آلبانی به مقامات آلبانیایی هشدار داده بود.

خداینده ضمن ابراز خرسندی از اقدام اخیر دولت آلبانی برای بازرسی از کمپ اشرف ۳، ورود پلیس آلبانی به کمپ اشرف ۳ را نشانه برگشتن ورق برای سران فرقه رجوی دانست و بر ضرورت تداوم تلاش‌های خانواده‌ها برای پیشبرد خواسته‌های خود تاکید کرد.

وی همچنین مهیا شدن شرایط سفر خانواده‌ها به آلبانی و رهایی ساکنان کمپ اشرف ۳ و ورود آن‌ها به جهان آزاد را از مهم‌ترین خواسته‌های خانواده‌های انجمن نجات عنوان کرد.

مدیر عامل انجمن نجات در ادامه از بیست سال تلاش اعضای انجمن نجات به ویژه خانواده‌های چشم انتظار قدردانی کرد و افزود: خانواده‌ها با نگارش صدها نامه به مجامع بین المللی، مقامات عراق و آلبانی، مکاتبه، تجمع و دیگر فعالیت‌های مدنی همواره پیگیر رهایی عزیزانشان از حصارهای فرقه رجوی بوده‌اند.

او حمله پلیس آلبانی به اشرف ۳ در مورخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ مصادف با سالگرد آغاز قیام مسلحانه مجاهدین خلق علیه حکومت ایران در ۴۲ سال پیش را، نقطه عطفی در شکست نهایی فرقه خشونت طلب رجوی دانست و تصریح کرد: رسانه‌های کشور آلبانی که تا پیش از حوادث هفته پیش در آلبانی حامی مجاهدین خلق بودند، اکنون در حال انتقاد

شدید به این فرقه هستند.

ابراهیم خداینده از تلاش‌های انجمن آسیلا به موازات انجمن نجات، در آلبانی قدردانی و ابراز امیدواری کرد که اتفاقات خوبی در پی این تحولات اخیر در پیش باشد که نهایت آن رهایی همه گروگان‌های رجوی است.

مدیر عامل انجمن نجات همچنین در نامه‌ای به رئیس جمهور آلبانی از اقدام مسئولان دولت آلبانی در جهت اعمال حق حاکمیت ملی که چهره واقعی و ماهیت اصلی سازمان را برای جهانیان آشکار نمود، قدردانی کرد.

به گزارش فراق، در بخشی از متن نامه ابراهیم خداینده به بایرام بگای آمده است:

عالیجناب بایرام بگای

ریاست محترم جمهوری آلبانی و رئیس

شورای عالی امنیت ملی

با سلام و تقدیم احترام

ابراهیم خداینده مدیر عامل انجمن مردم نهاد نجات در ایران هستم که به نمایندگی از خانواده‌های اعضای گرفتار در اردوگاه مجاهدین خلق در آلبانی برای شما می نویسم. حدس می زنم که با این اسامی آشنایی نسبی داشته باشید.

ابتدا مایلم مراتب قدردانی خانواده‌ها و اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق از اقدام

مسئولان دولت آلبانی در جهت اعمال حق حاکمیت ملی، که چهره واقعی و ماهیت اصلی سازمان را برای جهانیان آشکار نمود، ابراز نمایم. این اقدام که در جهت عالی ترین مصالح ملی آلبانی صورت گرفت همچنین موجب خرسندی خانواده‌ها گردید و نور امیدی بر دل‌های آنان تاباند تا بلکه بتوانند با باز شدن درهای زندان سبز و مجلل مجاهدین خلق در مانز به آرزوی چند ده ساله خود یعنی دیدار با عزیزانشان در آزادی و رهایی کامل نایل شوند. بی شک این نقطه عطفی خواهد بود تا بلکه اسیران فرقه رجوی بتوانند با دنیای آزاد در ارتباط قرار گیرند. از ریاست محترم جمهوری آلبانی، و از تمامی اعضای شورای امنیت ملی و کارشناسانی که با این فرقه تروریستی سروکار دارند، درخواست دارم تا مطالعات عمیق تری در خصوص فرقه‌های مخرب کنترل ذهن انجام دهند چرا که بدون تسلط به این دانش امکان فهم عملکرد مجاهدین خلق میسر نیست. من و دیگر اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق در داخل و خارج از آلبانی همیشه آماده اطلاع رسانی در خصوص وقایع داخل اردوگاه آنان در مانز هستیم. فقط کافی است که کسی مایل باشد تا این اطلاعات مبسوط و مفصل را برای آگاهی بیشتر مطالبه نماید.

پایان عرض اندام در خاک آلبانی

| محمدحسین نوع‌پرور



خلوت آمریکا است. کشورهای اروپایی هم که به دلیل حساسیت دولت ایران نسبت به رویکردشان با مخالفین جمهوری اسلامی، اصلاً چنین اجازه‌ای را به خود راه نمی‌دهند که روابط حساس، اقتصادی و اجتماعی خود را فدای یک گروه تروریستی نمایند.

از سویی اخبار رسیده از داخل کمپ «اشرف ۳» حاکی از این است که تحولات اخیر خیلی‌ها را به این فکر فرو برده که اگر وضعیت بخواهد این گونه پیش رود بهتر است که سازمان را ترک کنند و به این زندگی پرفلاکت خاتمه دهند.

البته این خبر خیلی به واقعیت نزدیک است و رهبران فرقه رجوی را وحشت زده کرده است زیرا وقتی نیرویی در کار نباشد دیگر باید فاتحه همه چیز را بخوانند.

سازمان مجاهدین و رهبران آن در یک بن بست مرگبار گیر افتادند و گویا آن زمان رسیده که می‌گفتیم آلبانی گورستان فرقه رجوی خواهد بود.

وضعیت پیش آمده را باید با وضعیت پیش آمده در عراق در زمان سرنگونی صدام حسین مقایسه کرد. در این شرایط قطعاً مجاهدین یک گزینه جدی را بررسی می‌کنند و آن اینکه اگر شرایط این گونه بخواهد پیش برود باید آلبانی را به یک مقصد دیگر ترک کنند. ولی مشکل بسیار جدی‌تر از این حرف‌هاست. دیگر هیچ کشوری حاضر به پذیرش فرقه نیست.

در روابط بین‌المللی و دیپلماتیک هر کشوری بخواهد مخالفین یک کشور دیگر را در خود جای دهد باید تاوان بدهد؛ چیزی که اروپایی‌ها از جمله آلبانی در حال تجربه آن هستند. لذا باید این نکته مد نظر باشد که تقریباً هیچ کشوری در دنیا نیست این ریسک را به جان بخرد و فرقه تروریستی رجوی را در کشور خود جای دهد.

در زمان ترک عراق وضعیت کشور آلبانی بسیار استثنائی بود، آن هم با تایید آمریکا. آلبانی از قدیم به نوعی حیات خلوت ایالات متحده محسوب می‌شد و کماکان نیز حیات

«ادی راما»، نخست‌وزیر آلبانی پس از جریان ورود پلیس به مقر فرقه رجوی گفت که فرقه تروریستی رجوی نمی‌تواند از خاک این کشور برای مقابله با ایران استفاده کند و برای این کار می‌بایست آلبانی را ترک کند.

این جمله پس از وقایع اخیر پیرامون فرقه تروریستی رجوی در آلبانی، ضربه نهایی بر پیکر نیمه جان رجوی بود و می‌توان گفت که نخست‌وزیر آلبانی آخرین میخ را جای خوبی نواخت. و البته این را هم نشان داد که پیام اقتدار ایران در خصوص این که دولت آلبانی باید اشتباهات خود را در خصوص پذیرش فرقه رجوی جبران کند، به خوبی دریافت است.

پس از عملیات‌های بازرسی پلیس آلبانی از مقر «اشرف ۳» ما شاهد رویکرد دیگری در خصوص روابط دولتمردان آلبانی با فرقه، نسبت به گذشته هستیم.

بعد از این بی‌تردید دیگر فرقه نخواهد توانست با نفوذ در سیستم‌های دولتی در این کشور عرض اندام کند.



برای چند صباح زندگی باقی مانده فکر درستی کنید

ا سمانه حسن خانی

اختلالات به شبکه زیرساختی کشور به دنبال تامین آرامش و آسایش مردم ایران بودند.

آنهایی که در آلبانی همچون یک مافیا قوانین را زیر پا می گذاشتند و اعضای جدا شده را تهدید می کردند و اعضایشان را در داخل اردوگاه کنترل می کردند و ادعا می کردند دموکراتهایی هستند که ایران را نجات خواهند داد امروز باید دنبال سوراخ موش برگردند تا نجات پیدا کنند، چون یگان ضد تروریسم پلیس این کشور وارد محل یگان سایبری آن ها شده و تمامی تجهیزات از جمله کامپیوترها، هاردها و سرورهای متعلق به آنها را با خود برده است.

فرقه تروریستی رجوی این روزها باید کم کم بساط خود را جمع کرده و از تیرانا هم کوچ کند.

با این اتفاق ها باید گفت رجوی ها دیگر در هیچ کجای جهان مکانی نخواهند داشت و اعضا نیز باید برای چند صباح زندگی باقی مانده فکر درستی کنند.

مخصوصا جوانان که آگاهی و اشراف مناسب در این خصوص ندارند را با وعده پول فریب داده و جذب سازمان کنند.

افرادی که نامشان را مجاهدین خلق گذاشته اند و ادعایشان آزادی خلق ایران است تیمشان با محوریت حبس، بردگی و خفقان شکل گرفته است.

این گروه تروریست پرور با عضوگیری اجباری، حبس اعضا در داخل اردوگاه و جدا کردن آن ها از جهان بیرون، طلاق ها و ازدواج های اجباری و دعوت به تجرد طبق صلاحدید سازمان و... دم از حمایت از انسانیت و آزادی می زنند! که اگر هر فردی این رفتارها و اقدامات را ببیند و سکوت کند باید به عقلش شک کرد.

مجاهدین و سرویس های امنیتی حامی آنان به اسم حمایت از مردم ایران از سال ۱۴۰۰ با حمله سایبری به جایگاه های پمپ بنزین، هک سایت شهرداری تهران، وزارت خارجه، وزارت آموزش و پرورش و... با ایجاد

فرقه تروریستی رجوی که در آلبانی همچون یک مافیا قوانین را زیر پا می گذاشت و ادعا می کرد دموکراتهایی هستند که ایران را نجات خواهند داد امروز باید دنبال سوراخ موش برگرد تا نجات پیدا کنند.

فرقه تروریستی رجوی در تابستان سال ۱۳۹۵ با چراغ سبز آمریکا و اتحادیه اروپا از کمپ لیبرتی در عراق، روانه کمپی در آلبانی شد. منطقه ای در مرکز آلبانی که همچون مقرهای فرقه در عراق، پوشش های امنیتی گسترده ای دارد، اما این روزها برای خودش و افراد ساکن در آن بسیار ناامن شده است.

ارتش سایبری فرقه رجوی برای ایجاد اغتشاش در کشور با اکانت های مجازی به دنبال فریب جوانان ایرانی هستند تا نظام جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود. آن ها با آموزش هایی که دیده اند حرف های جذابی را در اکانت های خود می زنند تا افراد و

پیام تشکر و قدردانی مسئول تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده فرقه رجوی»
به مناسبت اتحاد بزرگ خانواده‌های عضو انجمن نجات

خانواده‌ها حماسه آفریدند

دیدید این راه با تلاش باز می‌شود



بی تردید فرقه رجوی به جهت این حماسه بسیار خشمگین بوده اما دیگر نمی‌تواند جلوی موج خانواده‌ها بایستد چرا که این خروش تا فروپاشی کامل فرقه تروریستی رجوی پایین نخواهد آمد.

تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده فرقه رجوی»

خانواده‌های اعضای گرفتار در فرقه تروریستی رجوی روز جمعه (۹ تیر ۱۴۰۲) با تجمع در مقابل سفارت ترکیه به عنوان دفتر حافظ منافع کشور آلبانی، مراتب قدردانی خود را نسبت به اقدام مسئولان دستگاه قضایی و انتظامی آلبانی در کنترل مقر فرقه رجوی در آن کشور را ابراز کرده و خواسته‌های خود از جمله آزادی عزیزانشان از بند سران این فرقه و نیز اجازه سفر به آلبانی برای دیدار با عزیزانشان را بعد از حدود چهل و چند سال مطرح کردند.

دور شاهد تحولات بسیار شگرف در این حوزه باشیم و پس از سال‌ها خواسته‌های ما خانواده‌های چشم انتظار برآورده گردد.

ما خانواده‌ها سپاسگزار از اقدام قاطع دولت آلبانی علیه سران فرقه رجوی هستیم و امیدواریم هر چه سریعتر راه ورود ما را به آن کشور به منظور نجات عزیزان خودمان و جامعه آلبانی از خطرهای این فرقه، باز کند. دولت آلبانی سران این فرقه جنایتکار را باید محاکمه و عزیزان ما را از چنگال این دیو صفتان آزاد کند.

ما خانواده‌ها پایان جدایی و اسارت ۴۰ ساله عزیزانمان را می‌خواهیم، ما خواستار ملاقات با فرزندانمان هستیم. آیا این خواسته زیادی است؟

آری چنان چه فریاد زدیم، آزادی اسیران حق مسلم ماست چرا که بچه‌های ما را دزدیدند و به اسارت بردند.

مسئول تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده فرقه رجوی» با انتشار پیامی از حضور پرشور خانواده‌های عضو انجمن نجات در تجمع بزرگ ۹ تیرماه مقابل سفارت ترکیه در تهران تشکر و قدردانی کرد.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، در متن پیام ثریا عبداللهی خطاب به تمام خانواده‌ها، مادران، پدران، خواهران و برادران چشم انتظار آمده است:

بدین وسیله تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده فرقه رجوی» بر خود وظیفه می‌داند از همراهی شما خانواده‌های تلاشگر که با حضور پرشکوه خود در حماسه ۹ تیرماه مقابل سفارت ترکیه، گامی بزرگ در روشنگری و باز شدن راه ورود خانواده‌ها به آلبانی برداشتید، تشکر و قدردانی قلبی نماید.

تشکل مادران، بسیار امیدوار است که پس از این حماسه ماندگار، در آینده‌ای نه چندان

سیرک رجوی وسط فغانسه



در حالی که فرانسه شاهد بی‌سابقه‌ترین اعتراضات علیه حاکمیت خود است، دولت این کشور با حمایت از برگزاری نشست تمسخرآمیز فرقه تروریستی رجوی، بار دیگر دشمنی خود با ملت ایران را اثبات کرد.

به گزارش فراق، در روزهای اخیر رانندگان شرکت‌های اتوبوس‌رانی فرانسه مجبور به اضافه‌کاری برای شرکت‌های حمل‌ونقل شدند. زیرا که کارفرمایان سیاسی و ضدامنیتی غربی به سختی مشغول برنامه‌ریزی برای انجام پروژه‌های بودند که قرار بود در آن ضمن گردآوری تفاله‌های سیاسی و دور ریخته شده از برخی کشورها، نمایشی شبه سیرک علیه جمهوری اسلامی ایران به راه اندازند.

در سیرکی که ۱۰ تیرماه به همت دولت یاغی فرانسه در پاریس برگزار شد، کلکسیون‌های تروریست‌ها و تبهکاران بین‌المللی در کنار برخی تفاله‌های سیاسی خارجی که این روزها از سر دریزگی مجبور به همکاری با فرقه تروریستی رجوی هستند، دیده می‌شود. البته با نگاه دقیق‌تر به افراد حاضر در این مراسم، شاهد حضور پرچم‌های گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب نیز هستیم که به نظر می‌رسد فرقه رجوی برای گردآوری نفرت به مشکل برخورد کرده است و به این ترتیب به سراغ یارگیری از سایر گروهک‌های بدنام و منفور در نزد ملت ایران رفته است. رجوی‌ها امسال درصدد حضور و سخنرانی ابر تروریست بین‌المللی دنیا یعنی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده بودند که به نظر می‌رسد علی‌رغم رزرو هتل، نتوانستند ترامپ را برای حضور در پاریس متقاعد کنند و ناچار شدند از مایک پنس رقیب داخلی وی در حزب جمهوری‌خواه برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور که این روزها در اروپا به دنبال تکرار کردن و جمع‌آوری پول برای ستاد انتخاباتی‌اش است، دعوت کنند.

وقتی ترامپ حفظ جانش را به چند ده هزار دلار ترجیح داد

برنامه فرقه رجوی این بود که با حضور ترامپ، بتوانند سلسله افتتاحات هفته‌های اخیر

خود در پاریس و تیرانا را جبران کنند البته ترامپ جا زد و حفظ جانش را به چند ده هزار دلار پرداختی رجوی ترجیح داد.

مایک پنس که سال گذشته نیز با مریم رجوی، سرکرده فرقه رجوی در آلبانی دیدار کرده بود در سخنرانی خود در این تجمع در اظهاراتی ضد ایرانی بر حمایت خود از این تروریست‌ها تاکید کرد و از رئیس‌جمهور آمریکا خواست تا دست از مذاکره با ایران بردارد. لیز تراس نخست‌وزیر سابق انگلیس از دیگر بازنشستگان سیاسی بود که در این تجمع تروریستی به ایراد سخنرانی پرداخت و با اشاره به سیاست خارجی چین و روسیه مدعی شد: ما شاهد تهدید فزاینده رژیم‌های خودکامه در سراسر جهان هستیم. احتمالاً مبلغ پرداختی به تراس نسبت به بقیه کم‌تر بوده است که وی حاضر به تندلی لحن در سخنرانی خود نشده است.

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق آمریکا نیز با فرستادن پیامی ویدئویی از فرقه پشتیبانی کرد و درباره حصول هر توافق احتمالی با ایران هشدار داد.

در جریان برگزاری این مراسم، پاتریک کندی نماینده سابق کنگره نیز که با هزینه فرقه تروریستی رجوی به پاریس سفر کرده و همچنین دریافت چند هزار دلار هدیه، لباس مضحک زردی را بر تن پوشید و خود را یک

اشرفی نامید. پاتریک احتمالاً خبر ندارد که دسترسی به تلویزیون در کمپ اشرف قدغن است و اعضا نمی‌توانند شاهد اجرای نمایش وی باشند.

فرقه رجوی در لیست گروه‌های تروریستی ژاپن

نکته عجیب این است، در روزهایی که دولت فرانسه با اعتراضات شدید مردمی پس از قتل نوجوان ۱۷ ساله به دست پلیس این کشور مواجه است، چگونه حاضر به صدور مجوز برای برگزاری همایشی توسط گروهکی شده است که تا همین چند سال پیش نامش در لیست گروه‌های تروریستی ایالات متحده و اتحادیه اروپا قرار داشت و در حال حاضر نیز این گروهک در لیست گروه‌های تروریستی کشورهایی مانند ژاپن است. گروهکی که در تدارک حملات تروریستی در چند نقطه ایران بود تاجائیکه نخست‌وزیر آلبانی به فرقه تروریستی رجوی هشدار داد که این فرقه نمی‌تواند از خاک این کشور برای فعالیت‌های سیاسی خود (علیه ایران) استفاده کنند.

و عجیب‌تر این است که رئیس‌جمهور فرانسه مردم کشور خود که تحت جریحه‌دار شدن احساساتشان دست به اعتراض زدند را شورش خطاب می‌کند، اما برای این فرقه تروریستی بی‌وطن تمهیدات امنیتی لازم برای برگزاری تجمع و همایش را فراهم می‌کند.

خروش خانواده‌های عضو انجمن نجات برای رهاسازی اعضای فرقه رجوی مسیر نجات از کوی خانواده می‌گذرد

آلبانی در یک بزنگاه تاریخی قرار گرفته است



اقدام شایسته آلبانی، نگاه و انتظار ما را در ارتباط با آینده عزیزانمان و رهایی آنها از چنگال رهبران این فرقه‌ی تروریستی، متحول نموده است.

به گزارش فراق، خانواده‌های عضو انجمن نجات از سراسر کشور روز جمعه ۹ تیرماه با تجمع در مقابل سفارت ترکیه در ایران، به عنوان کشور حافظ منافع ایران در بیانیه‌ای از اقدام مسئولانه دستگاه قضایی و انتظامی آلبانی در کنترل مقر فرقه رجوی قدردانی کرده و خواهان اجازه دولت آلبانی به آنها برای سفر به آن کشور و پیگیری وضعیت عزیزان خود شدند.

در متن این بیانیه آمده است:

انجمن نجات، اقدام ارزنده دولت آلبانی مقارن با سالگرد آغاز جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق علیه ملت و دولت ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ (۲۰ جولای ۱۹۸۱) را که منجر به کشتار و ترور بیش از دوازده هزار تن از مردم عادی در کنار تعدادی از مسئولان ارشد وقت گردید، به فال نیک گرفته و آن را به‌سان نقطه عطفی در پایان‌دهی به کارنامه‌ی سیاه آنها می‌داند.

هم‌اکنون آلبانی در یک بزنگاه تاریخی قرار گرفته است و مسئله اصلی، استقلال عمل و اعمال حاکمیت تمام‌عیار آلبانی در سرزمین خود می‌باشد. چرا که بر اساس تجارب گذشته، سازمان مجاهدین خلق در برابر این اقدام قانونی آلبانی، به‌نحو فزاینده‌ای با جریان‌سازی رسانه‌ای تلاش دارد تا ضمن مظلوم‌نمایی خود و فرار از اتهامات مستلّم وارده، نسبت به اعمال فشار و محکوم‌سازی دولت آلبانی و ممانعت از تداوم رویکرد اخیر از سوی آن دولت محترم در موضوعاتی از قبیل: نقض حقوق بشر و سنگ‌اندازی در پروسه‌ی عضویت آلبانی در اتحادیه اروپا اقدام نماید.

لذا بر مبنای واقعیت‌های اشاره شده، دولت آلبانی نباید اسیر جنجال، هوچی‌گری و

خرداد ۱۴۰۲، به‌روشنی بخشی از ماهیت خیانت‌پیشیه‌ی آنان را برای تمامی وجدان‌های بیدار به‌ویژه مسئولان آلبانی، آشکار نمود. امری که تا قبل از آن بی‌سابقه بوده، بطوریکه سران سازمان مجاهدین خلق پس از چند ساعت از اقدام قانونی پلیس، مواضع‌شان را نسبت به دولت محترم آلبانی، از دولتی بشردوست و مترقی، به دولتی ضدبشری، خودفروخته، جنایت‌کار و فاشیستی تغییر دادند.

همانگونه که پیش از این نیز به دفعات و در اشکال مختلف خطاب به دولت و مقامات محترم آلبانی گوشزد نموده بودیم؛ تجربه‌ی تاریخی زیست انگلی سازمان مجاهدین خلق در کشورهای میزبان، نشان می‌دهد که سازمان مجاهدین خلق همواره چه در زمان حضور در ایران، عراق، فرانسه یا هم‌اکنون در آلبانی امنیت، اعتبار و سایر ظرفیت‌های بنیادین مادی و معنوی کشور میزبان را با فریب‌کاری و دروغ‌پراکنی به گروگان منافع خودشان می‌گیرند و بر این اساس، قربانی همیشگی اقدامات آنان، کشور میزبان می‌باشد.

زیاده‌خواهی سازمان مجاهدین خلق گردد و اجازه ندهد که مورد سوء استفاده یک گروه تروریستی فرتوت، منزوی و مورد تنفر مردم ایران و حتی مخالفان دولت ایران قرار گیرد.

صحنه‌ی رویارویی وحشیانه سران سازمان مجاهدین خلق با اقدام قانونی پلیس آلبانی و استفاده آنها از اعضا به‌عنوان «سپر انسانی» جهت به‌راهناداختن جنجال تبلیغاتی با هدف صیانت از خود و مصون‌ماندن از بازرسی محل استقرار آنها به‌خصوص VIP مریم رجوی، بار دیگر خاطرات برخورد پلید و غیرانسانی رهبران سازمان مجاهدین خلق با خانواده‌های دردمندی که خود را با تمام سختی‌ها به نزدیکی اردوگاه مجاهدین در عراق رسانده بودند، در ذهن ما تداعی نمود. خاطراتی که سراسر دهنمندی و توحش سازمان مجاهدین خلق برای به‌سکوت کشاندن و ممانعت از رسیدن صدای خانواده‌ها به عزیزان دربندشان در اردوگاه آنان را یادآور می‌سازد.

توجه به واکنش‌ها و مواضع اتخاذشده از سوی سران سازمان مجاهدین خلق پس از ۳۰

توضیح بیشتر آنکه؛ این سازمان در مقابل دریافت امکانات سرزمینی، نظامی و مالی چشم‌گیر از رژیم سابق عراق (در قالب مبالغ هنگفت و برخورداری از سهمیه‌ی مشخص از نفت کشور عراق)، اقدام به گشتار بی‌رحمانه‌ی کردهای عراق در عملیاتی موسوم به مروارید در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۷۰ (۲۵ مارس ۱۹۹۱) نمود.

اما جالب است بدانید، پس از خروج سازمان مجاهدین خلق از کشور عراق، رهبران سازمان در واکنشی خبث‌آلود و در راستای اخاذی از دولت عراق، اقدام به طرح دعوای حقوقی به بهانه‌ی مضحک مالکیت خود بر اردوگاه اشرف در عراق و مطالبه دریافت ششصد/۶۰۰ میلیون دلار غرامت از دولت آن کشور نمودند.

همانطور که در اطلاعیه‌ی ارگان سیاسی سازمان مجاهدین خلق با نام شورای ملی مقاومت در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ (۲۰ ژوئن ۲۰۲۳) آمده است، سران سازمان مجاهدین خلق در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵، به دلیل ممانعت از انجام مأموریت پلیس عراق در ارتباط با اردوگاه گروه شدیداً با نیروهای عراقی درگیر شده و حتی با سلاح به آنان حمله‌ور شدند. همین واکنش عیناً در مقابل پلیس آلبانی تکرار شد؛ چرا که براساس منطق ایدئولوژیک و الگوی رفتاری رهبران گروهک، آنان خود را فراتر از قانون دانسته و در هیچ کشوری ملزم به رعایت قانون نبوده‌اند.

رفتار منطقی دولت آلبانی در برابر سازمان مجاهدین خلق، آغازی است بر پایان حیات و کارنامه سیاه این سازمان ضدبشری و مخرب. لذا این وضعیت، آزمایشی خطیر برای دولت آلبانی تا رسیدن به مقصود نهایی است که همانا بازگشت اعضای دربند سازمان به زندگی انسانی و آزادانه و نیز محکومیت رهبران و مسئولان ارشد سازمان مجاهدین خلق می‌باشد. در سایه‌ی این امر، علاوه بر تحقق آرزوی خانواده‌های دردمند، حاکمیت و مطالبات قانونی دولت آلبانی نیز به‌نحو شایسته‌ای محقق می‌گردد.

لازم است به نکته‌ای حیاتی و مهم در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و اعضای آن اشاره نماییم؛ اینکه به غیر از رهبران و مسئولان ارشد سازمان، تمامی افراد حاضر در گروه، در

شرایط کنترل ذهن و مناسبات سخت فرقه‌ای می‌باشند و با گذشت چند دهه از عمرشان، با تغییرات بنیادینی در هویت و شخصیت خود روبرو شده و از کمترین سطح خودآگاهی، اراده و استقلال برای تصمیم‌گیری در تقابل با فضای حاکم بر سازمان می‌باشند. لذا با توجه به القائات فریب‌گونه‌ی سازمان، اعضای خود را در دو راهی زندگی (یعنی حضور و تبعیت همه‌جانبه از رهبران سازمان) و مرگ و نیستی (خروج از سازمان) تعریف نموده و بر این مینا تنها با کمک عوامل بیرونی - که مهم‌ترین آنها خانواده و حمایت‌های دولت آلبانی و ایران است - امکان رهاسازی و بازپروری آنها فراهم می‌گردد.

ما خانواده‌ها و اعضای جدانشده از سازمان مجاهدین خلق، سال‌هاست با همه محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، از هیچ‌گونه تلاش و حرکتی برای رهایی عزیزانمان از این سازمان خشونت‌گستر و فرقه‌گونه فروگذار ننموده‌ایم. این تلاش‌های مستمر و بی‌وقفه، بعضاً به واسطه‌ی عدم مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی به‌هنگام و مؤثر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حقوق‌بشری در کنار کارشکنی و دروغ‌پراکنی سازمان مجاهدین خلق، به نتیجه مورد انتظار نرسیده است. اما اقدام شایسته آلبانی، نگاه و انتظار ما را در ارتباط با آینده عزیزانمان و رهایی آنها از چنگال رهبران این فرقه‌ی تروریستی، متحول نموده است.

لذا انتظار داریم دولت آلبانی با بهره‌گیری تمامی ظرفیت‌های خود، ضمن تعطیلی اردوگاه قرون‌وسطایی سازمان مجاهدین خلق در کشور آلبانی، اعضای گرفتار را به زندگی آزاد و به دور از سیطره رهبران آن بازگرداند. در مقابل، انجمن نجات آمادگی خود را برای انجام هرگونه همکاری و حمایت مالی با دولت آلبانی اعلام نموده و عمیقاً چشم‌انتظار شروع این فرآیند در اولین فرصت می‌باشد.

پنهان‌کاری و اقدامات غیرقانونی گسترده و پایان‌ناپذیر سرکردگان سازمان مجاهدین خلق در اردوگاه آلبانی، ضرورت تمهید و اجرای سازوکاری برای پایش مستمر و برخط محیط اردوگاه به اصطلاح اشرف سه/۳ از طریق نصب دوربین‌های نظارتی را بیش‌ازپیش آشکار

می‌سازد.

همچنین به‌عنوان گام‌های مؤثر اولیه و تا زمان تحقق رهایی کامل اعضای دربند گروه (سازمان)، از دولت آلبانی درخواست داریم به‌منظور ممانعت از ارتکاب اعمال ضدبشری از سوی رهبران گروه (سازمان) در ارتباط با اعضای خود، نسبت به استقرار دائمی نیروهای پلیس در اردوگاه سازمان مجاهدین خلق اقدام نماید.

اینکه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد - به عنوان نهاد مسئول و تخصصی در رسیدگی و حمایت از پناهجویان - چرا و چگونه از مناسبات حاکم بر اعضای اردوگاه سازمان مجاهدین خلق در آلبانی خارج شد ابهامی بزرگ در اذهان خانواده‌ها ایجاد نمود که تاکنون پاسخی روشن و اقناع‌کننده برای آن پیدا نکرده است.

اما گذشته از مطلب یاد شده، ایجاد دفتر کمیساریای پناهندگان در مقر سازمان مجاهدین خلق و تعبیه امکان ارتباط‌گیری و خروج امن و آزاد نفرات از اردوگاه با نظارت این دفتر را ضروری و گریزناپذیر می‌دانیم.

در پایان ضمن تقدیر مجدد از اقدام شایسته دولت آلبانی، انجمن نجات با برخورداری از پشتیبانی خیل عظیمی از خانواده‌های اسیر در مقر سازمان مجاهدین خلق و نیز اعضای رهاسده از بند این گروه (سازمان)، در راستای انجام رسالت حقوق‌بشری خود و کاهش هرچه بیشتر آلام و دغدغه‌های انسانی و غیرقابل اغماض خانواده‌ها، بار دیگر آمادگی خود را برای هرگونه همکاری و تشریک مساعی با آن دولت محترم در مسیر حل معضل مخاطره‌آمیز و پیچیده گروه تروریستی فرقه تروریستی مجاهدین خلق اعلام می‌دارد.

همکاری‌هایی از قبیل: ارائه شهادت یا حضور به عنوان شاهد در حمایت و تقویت مواضع و اقدامات دولت آلبانی، پیگیری و محکومیت قضایی رهبران و مسئولان ارشد سازمان مجاهدین خلق در دادگاه‌های آلبانی از سوی اکثریت قاطع جدانشده‌ها و خانواده‌های اعضای دربند سازمان در کشورهای مختلف جهان، ارائه مدارک و مستندات لازم برای اثبات جنایات و اقدامات غیرقانونی و ضدبشری سازمان مجاهدین خلق، و

اسامی ۶ نفر از سران فرقه رجوی که تحت بازجویی پلیس آلبانی هستند

۴۵۰ نفر طی ۵ سال فرار کردند



شش تن از سران سازمان فرقه رجوی به دلیل درگیری با افسران پلیس در جریان بازرسی ۳۰ خرداد از این سازمان، توسط پلیس دورس تحت بازجویی هستند.

به گزارش فراق، این افراد عبارتند از: حسن نایب آقا ۷۳ ساله، مهدی براعی ۷۲ ساله، علیرضا اکبریان ۷۲ ساله، بهزاد صفاری ۶۳ ساله، علی اصغر اکبری ۶۱ ساله و جواد فراهانی ۷۰ ساله که به اتهام ارتکاب جرایمی چون «عدم توجه به فرمان پلیس»، «مخالفت با مأمور پلیس نظم عمومی»، «تخریب اموال پلیس» و «ممانعت از اجرای احکام قضایی» در هنوز بازجویی هستند.

بر اساس گزارش اداره مبارزه با جرایم و مفاسد سازمان یافته آلبانی، فرقه رجوی از

این تعداد، ۳۰۰ نفر به طور غیرقانونی آلبانی را ترک کرده‌اند، ۱۰۰ نفر دیگر با مدارک قانونی از مرز عبور کردند، و حدود ۵۰ نفر دیگر هنوز در آلبانی هستند.

همچنین در این پرونده جزئیاتی از نحوه شروع درگیری سازمان تروریستی مجاهدین خلق با ملت ایران، زمان ایجاد این سازمان و استقرار آنها در آلبانی ارائه شده است.

خاک جمهوری آلبانی در مقاطع زمانی مختلف، حملات سایبری علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین علیه نهادهای دولتی ایران انجام داده است.

در گزارش رسمی پلیس امنیت آلبانی آمده است:

از سه هزار عضوی که در سال ۲۰۱۸ به این مقر در آلبانی آمدند، ۴۵۰ نفر فرار کردند. از

قدردانی جداشده‌ها از تلاش‌های «اریسا رحیمی» در آلبانی



برخی از جداشده‌های فرقه رجوی از تلاش‌های رسانه‌ای «اریسا رحیمی» در آلبانی در راستای افشای حقایق در خصوص مجاهدین خلق تشکر و قدردانی کردند. به گزارش فراق، در پیام منتشر شده توسط انجمن «آسیلا» از خانم اریسا رحیمی، مسئول شورای زنان انجمن «آسیلا» بابت تلاش‌های بی‌وقفه و به خصوص ترجمه مصاحبه‌های اعضای آسیلا با رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی آلبانی در چند روز سپاس و قدردانی شده و برای وی و خانواده محترمش آرزوی موفقیت و سربلندی کردند.

بررسی سازوکارهای بین‌المللی در خصوص خواسته خانواده‌های اسیران



بخش اول

سرویس حقوق
بین‌الملل فراق

مجله خبرک تحلیلی

چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی بوده که دهه هاست بعنوان قوانین معیار و استانداردهای مبنایی لازم الاجرا در زمان مخصصات مسلحانه شناخته می‌شوند. مضافاً آنکه کمیته صلاحیت مذاکره با طرفین درگیر در جنگ و همکاری با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را دارد تا بدین ترتیب توجه و حمایت آنها را نسبت به وضعیت قربانیان جنگ جلب نماید. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و در پروتکل الحاقی آن، صلاحیت و وظایف کلی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را بروشنی بیان نموده است. اساسنامه کمیته نیز یکی از وظایف اصلی و مهم خود را (علاوه بر سایر وظایف و تعهدات) اجرای ماموریت‌های محوله از سوی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو اعلام می‌کند. در چارچوب نظام هنجاری ژنو، کمیته موظف است که از حق حیات و کرامت انسانی افراد در طول مخصصات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی و نیز در شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی حمایت نماید و با ارائه خدمات امدادی، به کمک مجروحین و حادثه دیدگان بشتابد. تا از رهگذر آن، از پیامدهای ناخوشایند جنگ و آلام بشری ناشی از جنگ که دامن گیر افراد (بویژه غیرنظامیان) می‌شود تا حد امکان بکاهد. عملکرد و تاریخچه فعالیت‌های کمیته سبب گردیده است تا امروزه به عنوان یک نهاد بی‌طرف و غیرسیاسی از جایگاه والایی در عرصه روابط بین‌المللی برخوردار گردیده و همین رویکرد غیرسیاسی، منصفانه و انسان

نهادهای هم پیوند با آن بویژه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و شرح وظایف، فعالیت‌ها و روند اقدامات این نهادها سخن رانده، سپس بر موضوع خاص مطالبات خانواده‌ها از این نهاد متمرکز شویم.

- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و تاریخچه فعالیت آن

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بنوان یک سازمان بین‌المللی بشردوستانه (غیردولتی) شناخته می‌شود که مقر اصلی آن در شهر ژنو سوئیس است. بروز مخصصات مسلحانه و پیامدهای تلخ و ناگوار آن برای بشریت موجب تاسیس این نهاد گردید. این سازمان در بادی تاسیس خود صرفاً در حوزه حمایت و امداد نسبت به قربانیان و سربازان زخمی جنگ فعالیت می‌کرد، اما بعدها به فراخور نیازهای بشری زمینه‌های فعالیت آن گسترش یافت. این کمیته که با پنج عضو در سال ۱۸۶۳ آغاز به کار کرد هم اکنون یکی از جهانشمول‌ترین، موثرترین و در عین حال مقبول‌ترین نهادهای بین‌المللی غیردولتی است. تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه از رهگذر برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی یا تهیه پیش‌نویس و برگزاری کنفرانس‌های دیپلماتیک، در زمره صلاحیت‌های این کمیته بوده است. در همین راستا یکی از اقدامات قابل توجه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تمهید و ایجاد زمینه‌های تدوین کنوانسیون‌های

هجدهم اردیبهشت ماه سال جاری (مصادف با هشتم می که به مناسبت سالروز تولد هانری دونان، بنیان‌گذار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اولین برنده جایزه صلح نوبل به‌عنوان روز جهانی صلیب سرخ نام‌گذاری شده است) جمعی از خانواده‌های اسرای گرفتار در تشکیلات فرقه‌ای مجاهدین خلق، در مقابل دفتر مرکزی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران گرد هم آمده و با بیان مظالم و گرفتاری‌های خود خواستار آن شدند تا صلیب سرخ جهانی و سایر نهادهای حقوق بشری نسبت به مطالبات آنان در پیگیری وضعیت عزیزان خود که در دام فرقه رجوی گرفتار آمده اند، واکنش معقول و موثری داشته باشند.

به همین بهانه سرویس حقوق بین‌الملل فراق درصدد آمده است تا نسبت به بررسی سازوکارهای بین‌المللی فراهم در موضوعات این چنینی و امکان سنجی نقش آفرینی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در یافتن راهکاری برای این خانواده‌ها و اجابت خواسته‌های ایشان تامل نماییم. به واقع پرسش اصلی این است که آیا اساساً با توجه به یاختر و هنجارهای موجود، صلیب سرخ جهانی قادر به ایفای نقش در این زمینه بوده یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است به چه نحو و با چه مکانیسمی می‌تواند خواسته‌های به حق این خانواده‌های رنج‌کشیده را اجابت کند؟ در این راستا لازم است نخست مختصری در باب جایگاه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و

ملل و مذاهب

۲- تسکین آلام بشری

۳- حفظ کرامت انسان‌ها

۴- حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ گونه تبعیض میان آنها.

طبیعتاً پایبندی به این اصول مبنایی در پرتوی رویکرد و اهداف والای ذکر شده می‌تواند خدمات شایانی به مردم گرفتار در جریان مخاصمات مسلحانه، بلایا و فجایع طبیعی و دیگر شرایط اضطراری ارائه دهد. هم اینک نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به عنوان یک شبکه بشردوستانه بین‌المللی متشکل از میلیون‌ها داوطلب است که آماده به کمک به افراد گرفتار در مخاصمات، بلایا، مشکلات بهداشتی و بحران‌های اجتماعی هستند. در زمان مخاصمات (بین‌المللی و غیربین‌المللی)، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مسئول هدایت و ایجاد هماهنگی در فعالیتهای امدادی نهضت است.

اما جمعیت‌های ملی طیف گسترده‌ای از خدمات (هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح) را ارائه می‌دهند، اقداماتی از قبیل امدادرسانی در هنگام رخداد بلایای طبیعی یا ساخته دست بشر و کمک‌رسانی به قربانیان جنگ، آموزش کمک‌های اولیه و بازپیوند خانوادگی.

به واقع باید گفت که امروزه نظام بین‌الملل صلیب سرخ، فارغ از زمان تخصص، در زمان صلح نیز در حوزه‌های مختلف بشری منجمله مبارزه با انواع خشونت جنسی، احترام به قانون، امنیت اقتصادی، بهداشت و سلامت عمومی، مین‌زدایی، بازپیوند اعضای خانواده‌ها و ... به فعالیت جدی می‌پردازد.

گستره مخاطبان اقدامات حمایتی صلیب سرخ متشکل از شهروندان، کودکان، زندانیان سیاسی، آوارگان، مهاجران، پناهندگان، پناهجویان، ناپدیدشدگان و زنان می‌شود.

توضیح: به جهت طولانی بودن موضوع تحقیق، ادامه بررسی سازوکارهای بین‌المللی در خصوص خواسته خانواده‌های اسیران فرقه مجاهدین خلق در بخش دوم منتشر می‌شود.

■ ادامه دارد

نظارت بر روند تبادل اسرای دو طرف در زمره فعالیت‌هایی است که این کمیته در سالهای دشوار جنگ تحمیلی بدان اهتمام ورزید. در سالهای اخیر نیز فعالیت‌های کمیته و نهادهای هم‌پیوند با آن در بحران‌هایی همچون سیل ایران در سال ۱۳۹۸ و تلاش‌ها در زمینه تامین اقلام دارویی در دوران تحریم و نیز دوران همه‌گیری کرونا تحسین برانگیز بوده است.

نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر

امروزه دیگر فعالیت‌های مجموعه بین‌المللی صلیب سرخ بهیچ عنوان منحصر به وضعیت جنگی یا قربانیان و غیرنظامیان متأثر از شرایط مخاصمه نیست. صلیب سرخ دارای چارچوب‌ها و ساختارهایی گردیده است که هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح، قادر به ایفای نقش و خدمت‌رسانی به نیازمندان و درماندگان است. در سال ۱۹۸۶، ۱۸۶ عضو جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر گردهم آمدند و «نهضت بین‌المللی صلیب سرخ» و «هلال احمر» را پایه‌گذاری کردند. اکنون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سایر نهادهای هم‌پیوند ذیل مجموعه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ فعالیت می‌کنند. در واقع نهضت از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر و ۱۹۰ جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال احمر تشکیل شده است. بشردوستی، بیطرفی، عدم تبعیض، استقلال، ارائه خدمات داوطلبانه، وحدت و جهان‌شمولی، اصول بنیادین هفتگانه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تلقی شده‌اند که چارچوب‌های اخلاقی، عملیاتی و سازمانی این نهاد را تعیین می‌کنند. صلیب سرخ و هلال احمر مجموعه‌ای از سازمان‌های با اهداف و اساسنامه مشترک می‌باشد که در بیشتر کشورهای دنیا نمایندگی‌های ملی دارند و در سطح بین‌المللی عمل می‌کنند. در کنار اصول هفتگانه مذکور، اهداف نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در اساسنامه بدین شرح آمده‌اند:

۱- برقراری صلح و تفاهم و دوستی میان

دوستانه تا حد زیادی موجب اعتماد دولت‌ها به این سازمان غیردولتی شده است.

- نقش صلیب سرخ در خلال جنگ تحمیلی؛

اصولاً آن‌گاه که یک پدیده یا رویدادی به واسطه مولفه‌هایی همچون تابعیت یا مرز وجه فرامرزی یا بین‌المللی پیدا می‌کند، دیگر تعیین تکلیف موضوع به صرف تصمیمات مقامات داخلی و قوه حاکمه یک کشور منحصر نمی‌شود، اینجاست که تابعان و بازیگران عرصه بین‌المللی (اعم از دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و حتی شرکت‌های بین‌المللی) بایست نقش آفرینی می‌کنند.

به گواه تاریخ، این واقعیت که نهادهای بین‌المللی اعم از حقوق بشری و ... در مجموع، غالب بازیگران عرصه بین‌الملل تا حدود زیادی تحت تأثیر پارامترهای سیاسی و مطامع دولت‌های ابرقدرت رفتار می‌کنند، بهیچ عنوان قابل کتمان نیست. اما فارغ از همه انتقادات و کاستی‌ها، نمی‌توان منکر خدمات و تأثیرات مثبت وجود چنین نهادهایی در سطح بین‌المللی شد. از جمله این نهادها، که برغم برخی کاستی‌ها، خدمات شایان توجهی به جامعه بشری عرضه داشته است «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» است. برای جامعه ایرانی، تلاش‌های این نهاد به طور خاص در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ملموس بوده است. در مواجهه با جلاد ضدبشری همچون صدام حسین، به شهادت رزمندگان کشور، وجود این نهاد و نظارت‌های آن تا حدود زیادی از ارتکاب جنایات شدیدتر بویژه علیه اسرای ایرانی در اردوگاه‌های بعثی‌ها که از قضا، به گواه تاریخ در برخی موارد به دستان ناپاک مزدوران فرقه رجوی مورد شکنجه‌های وحشیانه و آزار و اذیت قزاق گرفتند، کاست. اقداماتی از قبیل سرشماری و فهرست نمودن اسامی و اعلام هویت اسرای دربند و زخمی‌های جنگ، اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و ایجاد زمینه‌های برقراری ارتباط اسرا با خانواده‌ها از طریق تبادل نامه، سرکشی از اردوگاه‌ها، مصاحبه با اسرا و اطلاع از وضعیت اردوگاه‌ها با لحاظ حداقل مولفه‌های حقوق بشری و در سالهای پس از جنگ نیز

مصطفی محمدی، پدر رنج دیده سمیه محمدی

چهار سال گذشت و تمام مردم آلبانی فهمیدند در قلعه رجوی چه می گذرد



چهار سال گذشت و تمام مردم آلبانی فهمیدند در قلعه رجوی، در آلبانی، چه تبهکاری، زندگی می کنند. مصطفی محمدی، پدر رنج دیده سمیه محمدی با ارسال پیامی به فراق نوشت: فرقه متوهم، گفته بودم که سیاست فرار به جلو و تروریست خواندن من و همسر در آلبانی در سال ۲۰۱۹، شامورتی بازی و شارلاتانیسم رجوی، جواب نمی دهد. چهار سال گذشت و تمام مردم آلبانی فهمیدند در قلعه حیوانات رجوی در آلبانی چه تبهکاری زندگی می کنند. حمله شبانه صدها پلیس آلبانی برای ضبط کامپیوترهای مورد استفاده برای دروغ پردازی، ترویج خشونت و تروریسم فیزیکی و اینترنتی، یک مهر باطل شد به فرقه رجوی. بیش باد.

چرا اعضای نگون بخت را به اختیار نمی گذارید تا ادامه مسیر را انتخاب کنند؟



اسعد محمدپور

در این چند روزی که فرقه رجوی درگیر حمله پلیس ضد تروریست کشور آلبانی بوده ناخودآگاه این سؤال به ذهن خطور می کند که این فرقه پس از آلبانی کجای دنیا می تواند پذیرش شود. پیشنهاد این است تنها کشوری که هم اکنون در جهان می تواند میزبان مجاهدین خلق باشد، کشور اوکراین است. کشور جنگ زده ای که نیاز مبرم به نیرو دارد و قطعاً از حضور مجاهدین در خاکش استقبال خواهد کرد. کشوری که نمایندگان از مریم رجوی تعریف و تمجید کرده و به دیدارش شتافتند! کشوری که رئیس جمهورش علیه تمام ملت ایران اراجیف می بافت. البته اوکراین

اما چرا رهبران این فرقه دم آخری درب های اشرف را باز نمی کنند و انتخاب را بر عهده اعضای نگون بخت نمی گذارند تا خودشان ادامه مسیر را انتخاب کنند؟ چرا برای این اعضای بخت برگشته هر انتخابی مصادف با مرگ است؟

این نکته را دارد که امن نیست. از هر لحاظ که فکر می کنم می بینم به جز اوکراین هیچ کشوری نمی تواند پذیرای فرقه رجوی باشد، حتی در دور افتاده ترین نقاط آفریقا هم جایی برایشان متصور نیست.

افشاگری «مسعود خدابنده» از پشت پرده مدارک سوزانده شده در «اشرف ۳»

اگر اعضای باقی مانده نجات پیدا نکنند، فاجعه انسانی رخ می‌دهد

باید اجازه دهند خانواده‌ها بیایند و این‌ها را ببرند



عضو اسبق فرقه رجوی گفت: کاری که ایران در قبال سازمان انجام داده کار کمی نیست. هیچ کشوری حاضر نمی‌شود که یک گروه تروریستی را بپذیرد ولی ایران این کار را کرده است. این در تاریخ نوشته می‌شود. به گزارش فراق، مسعود خدابنده درباره عملکرد گذشته و وضعیت فعلی سازمان مجاهدین خلق اظهار کرد: سازمان مجاهدین به یک فرقه کوچک در فرانسه تبدیل شده است. بخش آلبانی سازمان مجاهدین در حال از بین رفتن است و اگر اعضای باقی مانده فرقه رجوی در آلبانی نجات پیدا نکنند، فاجعه انسانی رخ می‌دهد. باید اجازه دهند خانواده‌ها بیایند و این‌ها را به خانه سالمندان ببرند. آدم ۸۵ ساله که به درد کسی نمی‌خورد.

وی همچنین درباره دلیل اصلی ورود پلیس آلبانی به کمپ اشرف ۳، گفت: یکی از دلایلی که پلیس آلبانی وارد کمپ سازمان شد، چراغ سبز آمریکا بود. دولت آمریکا دنبال اسناد رابطه سازمان با نومحافظه‌کاران از جمله بولتون و پمپئو است. این‌ها مدارک مهمی برای آمریکایی‌هاست چون انتخابات ریاست‌جمهوری آنها نزدیک است.

این عضو جدانشده درباره سرنوشت مسعود رجوی نیز بیان کرد: مسعود رجوی خیریت زیاد کرده و فکر می‌کند که خیلی زنگ است. احتمالاً می‌خواسته حرفی بزند ولی عربستان او را جایی نگه داشته است زیرا ضرر او بیشتر از سودش است. من صدردصد نمی‌توانم بگویم او مرده ولی بدترین اتفاق برای او این است که زنده بیرون بیاید.

بخشی از گفت و گوی ایسنا با مسعود خدابنده از اعضای جدانشده فرقه رجوی به شرح زیر است:

تصاویر و فیلم‌های منتشر شده از افراد حاضر در کمپ اشرف ۳ بعد از بازرسی پلیس آلبانی بسیار نکات قابل توجهی داشتند و پیری، فرتوتی و ناامیدی و استیصال از چهره اعضا کاملاً مشخص بود. چرا این افراد به چنین شرایطی

رسیدند؟ چرا این افراد کماکان با تمام این سختی‌ها علیه وطن خودشان فعالیت می‌کنند؟

من سال هاست از مجاهدین جدا شدم و اطلاعات داخل آنجا را کمتر دارم اما سایر مسائل مربوط به آنها را دنبال می‌کنم. من از سالی که از سازمان جدا شدم، خیلی‌ها را دیدم که از سازمان جدا شده‌اند؛ از خانم‌هایی که جدا شده‌اند و از رقص‌هایی صحبت کردند تا کسانی که اخیراً بیرون آمده و می‌گویند آنجا قتل هم انجام می‌شود و همانجا دفن می‌کنند و کسی هم نمی‌بیند. من الان اطلاعات دقیقی از داخل کمپ سازمان در آلبانی ندارم اما در گذشته که با دولت عراق برای اخراج آنها از این کشور کار می‌کردم، یادم است که یک خانم از کمپ اشرف بیرون آمد و ژنرال ارتش عراقی با دیدن او گریه می‌کرد چون آن خانم شب یک کیلومتر سینه‌خیز رفته بود و سر و صورت خونی داشت تا از آنجا به آن امید فرار کند که عراقی‌ها او را بگیرند و اعدام کنند. او می‌خواست اعدام شود ولی در اشرف نماند.

من نگران یک موضوع هستم. هروقت مشکلی پیش می‌آید مریم رجوی فرار می‌کند چه وقتی در ایران ۳۰ خرداد راه انداختند چه زمان سقوط صدام و الان هم مریم رجوی سر از پاریس درآورده در حالیکه پیش از این

ممنوع‌الورود بود. نبودن او در آلبانی من را به شک می‌اندازد که شاید تعدادی از افراد سازمان مثل عراق بی‌جهت کشته شوند چون به نظر من خیلی از این افراد به زور آنجا مانده‌اند. وضعیت داخل کمپ وضعیت اسفباری است این را خود آلبانی‌ها هم می‌دانند.

من اطلاع دارم آمریکا ۱۳-۱۲ نفر از آنها را به لس‌آنجلس برده اما هنوز بعد این همه سال یک برگه هویتی به آنها نداده است. داخل قرارگاه هم فضای بسته‌ای دارد و اطلاعاتی از بیرون به افراد داخل آن‌جا نمی‌رسد. وقتی هنوز درهای قرارگاه را که کامل بسته بودند یکی از این‌ها خواسته برود به بیمارستان که سه نفر او را بیهوش کردند و بازگرداندند و معلوم نشد که او چه شد. امید من این است پلیس آلبانی به غیر از اسناد، درباره اتفاقات داخل قرارگاه هم تحقیق کنند که مثلاً چه شد که مرحوم شرائی که قهرمان شنا بود و کارون را دو بار شنا می‌کرد در یک حوض خفه شد؟ جسدش را هم خاک کردند و اجازه کالبدشکافی ندادند.

پیشنهاد من این است که آلبانی درباره حقوق بشر تحقیق کند. کسانی که داخل قرارگاه هستند اطلاعات زیادی دارند که اگر بیرون بیایند می‌توانند آنها ارائه دهند و امیدوارم پلیس با استفاده از اطلاعات این افراد درباره وضعیت داخل قرارگاه تحقیق کند. زمانی که

عراق بودم یادم هست که قبرهایی بود که وقتی آن را باز کردند سه جسد در داخل آن بود و در برخی قبرها اصلا جسدی نبود.

این سازمان کم مصیبت درست نکرده است. شما ببینید آیا جایی هست که این‌ها رفته و مزاحمت ایجاد نکرده باشند؟ در ایران کشت و کشتار کردند و بعد به پاریس و عراق رفتند. آن‌ها مثل سگ از صدام می‌ترسیدند اما در همان موقع سند جعل می‌کردند که از او پول بیشتری بگیرند. حالا در آلبانی برای دولت این کشور شاخ و شانه می‌کشند به گونه‌ای که صدای نخست‌وزیر آلبانی درآمده است. این عملکرد هم به آن دلیل است که می‌گفتند هرچیزی به نفع رجوی باشد ثواب است و هرچه به نفع او نباشد حرام است. آنها برای همه مزاحمت ایجاد کرده اند از جمله خانواده‌های افراد خود سازمان. آنها مستاصل

بوده و نیاز به کمک دارند. بگذارید خانواده‌ها آنها را ببینند و به آنها بگویند می‌خواهید بیرون بیایید یا نه. در عراق آنها ابتدا به مادران خود سنگ پرت کردند ولی بعد گریه کرده و درآمدند.

گویا در هنگام ورود پلیس آلبانی به کمپ اشرف ۳، اعضای سازمان برخی اسناد را از بین برده‌اند. درباره این اسناد اطلاعات دارید؟

شما سندی نمی‌سوزانید که در هارد کامپیوترتان باشد بلکه سندی را می‌سوزانید که یک نسخه داشته باشد. مدارکی که پیش از این از عراق بردند زیاد بود و الان آن مدارک دست آلبانی‌ها نیست بلکه در اختیار آمریکایی‌هاست. یکی از دلایلی که پلیس آلبانی وارد کمپ سازمان شد، چراغ سبز آمریکا بود. اگر در تصاویر افرادی که وارد کمپ سازمان شدند

دقت کنید، متوجه می‌شوید که برخی افراد لباس شخصی هستند که مشخص است این‌ها آمده اند و دنبال چه هستند. مدارکی که برای آمریکا مهم است درباره رابطه سازمان با نومحافظه کاران و فعالیت آن‌ها علیه دموکرات‌ها در داخل آمریکاست چون آنها مدتی هم با هزینه نومحافظه کاران علیه اتحادیه اروپا فعالیت می‌کردند تا احزاب راست بالا بیایند و اتحادیه اروپا دچار فروپاشی شود. الان هم در حال کمک به ترامپ علیه دموکرات‌ها هستند.

در این مسیر زنگ خطر برای دولت آمریکا به صدا آمده است و دنبال اسناد رابطه سازمان با نومحافظه کاران از جمله بولتون و پمپئو هستند. این‌ها مدارک مهمی برای آمریکایی‌هاست چون انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نزدیک است.

سرفراز رحیمی در گفت‌وگو با کانال «ویزیون پلاس» آلبانی

بیشتر مردم آلبانی شناخت اشتباه از «مجاهدین خلق» دارند



عضو انجمن آسیلا گفت: بیشتر مردم آلبانی شناخت اشتباه از مجاهدین خلق دارند و گمان می‌کنند که این‌ها عده‌ای مبارز آزادی‌خواه هستند در صورتی که این طور نیست.

به گزارش فراق، سرفراز رحیمی در گفت‌وگو با شبکه «ویزیون پلاس» آلبانی به مناسبت حمله پلیس آلبانی به قرارگاه مجاهدین خلق اظهار داشت: بیشتر مردم آلبانی شناختی از مجاهدین خلق ندارند و گمان می‌کنند که اینها عده‌ای مبارز آزادی‌خواه هستند در حالی که او خود ۱۷ سال اسارت تحت حکمرانی مسعود رجوی را تجربه کرده است و به خوبی درک می‌کند چرا برخی افراد حاضر به فرار از حصارهای این تشکیلات نیستند.

وی افزود: پلیس آلبانی می‌توانست بسیار پیش از این در مقابل سازمان مجاهدین خلق بایستد تا آلبانی تبدیل به صحنه جنگ میان ایران و آلبانی نشود.

عضو انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی (آسیلا) در ادامه تشریح کرد: ماجرای مشابه آنچه ۳۰ خرداد در آلبانی رخ داد، در سال‌های حضور مجاهدین در خاک عراق بارها

با فریب او و برادرش، به بهانه سفر و اقامت در اروپا، آن‌ها را به عضویت تشکیلات خود وادار کردند. او بر این باور است که برادرش هنوز به لحاظ ذهنی اسیر ساختار مغزشویی سازمان مجاهدین خلق است و گرچه تاکنون از تشکیلات جدا شده و به آغوش خانواده بازگشته بود.

در این گفت و گوی تلویزیونی، اریسا رحیمی به عنوان مترجم و آلدو سولولاری مدیر رسانه ای انجمن آسیلا حضور داشتند.

رخ داد و هربار رجوی‌ها ده‌ها نفر از اعضای خود را برای مقابله با نیروهای عراقی به کشتن دادند. وی کشته‌های حاصل از این درگیری با نظامیان عراقی را ۱۰۵ نفر و شمار مجروحین را نزدیک به ۱۰۰۰ نفر تخمین زد.

سرفراز رحیمی که ۱۷ سال از دوران جوانی خود را در تشکیلات مجاهدین خلق گذرانده است در معرفی خود و سرگذشتش برای مردم آلبانی گفت که چگونه سران مجاهدین خلق

خانواده‌های عضو انجمن نجات هوشیار باشند



بر اساس تصمیم دادگاه بدوی مبارزه با فساد و جرائم سازمان‌یافته آلبانی، دفتر دادستانی ویژه فساد و جرایم سازمان‌یافته یک پرونده دادرسی کیفری در رابطه با جرائم «تحریک به جنگ، رهگیری غیرقانونی اطلاعات کامپیوتری، نفوذ به سامانه‌های رایانه‌ای و اطلاعات، همچنین سوءاستفاده از تجهیزات و تشکیل گروه‌های بزهکار سازمان‌یافته» برای فرقه رجوی باز کرده و با همین مجوز روز ۳۰ خرداد مقرر «شرف ۳» را مورد بازرسی قرار داده است.

از این فرقه تروریستی را جبران کند ولی دولتمردان این کشور باید حساب کار دستشان باشد تا نباید دوباره فریب نیرنگ‌های رهبران این فرقه را بخورند.

همچنین در همین زمینه لازم است خانواده‌های اسیران فرقه رجوی در ایران نیز آگاه باشند تا اگر به احتمال عزیزانشان با خانواده تماس گرفت، آن‌ها را فقط به ارتباط با انجمن آسیلا هدایت کنند، چرا که تنها راه پشتیبانی از نجات یافته‌ها همین انجمن آسیلا در آلبانی است.

به دنبال ماجراهای اخیر در مقرر «شرف ۳» گویا برخی از اعضای ناراضی که منتظر فرصت خروج بودند، توانستند از مقرر فرار کنند.

به گزارش فراق، هنوز اطلاعات کاملی از اسامی و تعداد افرادی که فرار کردند در دست نیست اما انجمن آسیلا (حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی) اعلام کرده است با آغوش باز از تمام افرادی که تصمیم به نجات خود از اسارت رجوی گرفتند، حمایت می‌کند.

شواهد موجود نشان از این دارد که دولت آلبانی تصمیم گرفته اشتباهات خود در میزبانی

اقدامی عجیب در اجلاس اخیر مریم رجوی در پاریس فرقه رجوی از ترس فرار به اعضای خود دستبند الکترونیک زد



تصویری عجیب در شبکه‌های اجتماعی در حال دست به دست شدن است که در آن مشاهده می‌شود فرقه تروریستی رجوی به اعضای خود دستبند الکترونیک زده تا نتوانند فرار کنند. به گزارش فراق، اجلاس اخیر فرقه تروریستی رجوی روز ۱۰ تیرماه به صورت محدود در یکی از مقرهای قدیمی فرقه تروریستی رجوی در منطقه اورسوراوا فرانسه برگزار شد که در صحنه‌ای غیرقابل‌باور برای اولین بار در آن برنامه مشاهده شد، فرقه به اعضای خود که برای پر کردن سالن ۲۰۰ نفری آورده از ترس فرار دست بند الکترونیک زده است.

افشاگری مصطفی بهشتی در گفت‌وگو با «تپ‌چنل» آلبانی

جوانان ایرانی از مقر «مانز» برای اغتشاش تحریک می‌شوند

۲۰ سال مرا از دیدار مادرم محروم کردند

مصطفی بهشتی، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی در گفت‌وگو با پربازدیدترین تلویزیون این کشور به افشاگری از فسادهای اخلاقی و اقدامات غیرقانونی در مقر این فرقه پرداخت.

به گزارش فراق، بهشتی در گفت‌وگو با «تپ‌چنل» آلبانی که در کنار مترجم انجمن «آسیلا» و مدیر رسانه‌ای این انجمن انجام شد، با اشک‌های حلقه در چشم از اینکه سران فرقه نگذاشتند ۲۰ سال مادر چشم انتظارش را ببیند و همچنین از فسادهای اخلاقی در مقر «مانز» و تحریک جوانان ایرانی به منظور اغتشاش و آتش سوزی اماکن دولتی گفت.



MUSTAFA BEHESHTI: BRENDA KAMPIT KA PASUR EDHE ABUZIME

خوشحالی یک انتخاب است که همه می‌توانند آن را برای خود فراهم کنند



اعضای نجات یافته از فرقه رجوی هم اکنون در آلبانی با مهرپانی و همبستگی طعم یک زندگی آزاد را چشیده و همچون پرندهای بهاری در آسمان رهایی هلهله گویان پرواز می‌کنند.

به گزارش فراق، این نجات یافته‌ها با اراده استوار و ضمن تحمل سختی‌های فراوان سلاح خنده را برای مبارزه با اهریمن رجوی در دست گرفتند و امروز جملگی می‌گویند برای یک زندگی که لیاقتش را دارند و سال‌ها توسط سیستم کثیف رجوی از آن‌ها سلب بوده، خواهند دویید.

علی‌هاجری که نزدیک ۹ ماه در کمپ کراچ (زندان پلیس امنیت آلبانی) بازداشت بود پس از تلاش‌ها و پیگیری‌های انجمن آسیلا و همسرش روز جمعه ۵ خرداد آزاد شد و هم اکنون در کنار خانواده و دوستانش به زندگی پر از عشق خود ادامه می‌دهد. خوشحالی و شادی یک انتخاب است که همه افراد می‌توانند آن را برای خود فراهم کنند.

حسن حیرانی در گفت و گو با برنامه «استودیو لایو» رپورتاژ تی.وی

ادی راما و دولتش به لطف خدا از خواب بیدار شدند



دولت آلبانی فریب موهای سفید مجاهدین را نخورد، مراقب باشد که آنها بسیار آموزش دیده اند و اگر بخواهند می توانند در آن کشور ما شورش ایجاد کنند



حسن حیرانی گفت: به لطف خدا، ادی راما و دولتش از خواب بیدار شده اند. از بابت گفتن حقیقت باید به دولت آلبانی و آقای ادی راما تبریک گفت.

به گزارش فراق، حس حیرانی به اتفاق همسرش ۷ تیر ماه با حضور در برنامه زنده «استودیو لایو» در رپورتاژ تی.وی اظهار داشت که هدف اصلی مجاهدین ایجاد جنگ بین ایران و آلبانی بود. حیرانی که به همراه همسر آلبانیایی خود در یونان زندگی می کند، می گوید دولت آلبانی فریب موهای سفید مجاهدین را نخورد، مراقب باشد که آنها بسیار آموزش دیده اند و اگر بخواهند می توانند در آن کشور ما شورش ایجاد کنند.

بخشی از گفت و گوی مجری این برنامه با حسن حیرانی و همسرش که توسط فراق از زبان آلبانیایی برگردانده شده را در زیر می خوانید:

- آیا ترک اشرف آسان بود؟

۵ سال پیش اوضاع بهتر بود، دولت آلبانی حضور بیشتری داشت و تا حدودی آزادی بیشتری داشت. اما اکنون وضعیت بسیار متفاوت است.

- در مورد اتفاقاتی که در کمپ می گذرد

بیشتر توضیح دهید؟ آنجا چه خبره؟

برای اطلاع شما، مجاهدین یا مجاهدین خلق کاری غیرقابل باور با پلیس آلبانی انجام داده اند. پلیس آلبانی بر اساس حکم دادگاه به کمپ رفت. مجاهدین نگذاشتند برخی از مناطق مقر را کنترل کنند و کار به درگیری کشید. برای من سوال اصلی در این شرایط این است که چرا مجاهدین به پلیس اجازه تفتیش را ندادند؟ آیا آنها در کمپ فعالیت های غیرقانونی انجام می دهند؟ پاسخ ساده است، بله. فعالیت های غیرقانونی فرقه رجوی مربوط به فعالیت های سایبری علیه ایران و همچنین پولشویی است. دولت آلبانی بر اساس قرارداد بشردوستانه آنها را پذیرفت و باید گفت که

بودم، مجاهدین این روش را اعمال می کنند. اردوگاه مثل یک زندان بزرگ است، داخل آن اعضا اجازه ندارند خانواده خود را ببینند، اجازه ندارند تلفن داشته باشند، اجازه ندارند بچه دار شوند، هیچ چیز. زندان دوم، طبق ایدئولوژی آنها، شستشوی مغزی است. هر روز اعضا را شستشوی مغزی می دهند.

- فکر می کنید در آینده چه اتفاقی می افتد،

آنها می مانند یا می روند؟

به لطف خدا، ادی راما و دولتش از خواب بیدار شده اند. تبریک فراوان به دولت آلبانی و آقای ادی راما برای گفتن حقیقت، با تشکر فراوان.

- آینده ات را چطور می بینی، به ایران

برمی گردی یا این هدف نیست؟

من می خواهم به آلبانی بیایم، چون دلتنگی زیادی دارم، آنجا خانه دوم من است.

- اگر بخواهید در مورد فرقه رجوی به

نهادهای امنیتی آلبانی نصیحت کنید چه

می گوید؟

لطفا مراقب باشید و کشور خود و آلبانیایی ها را در امان نگه دارید. شما درگیر جنگ با ایران نیستید، بنابراین این جنگی است که نباید توسط آلبانی انجام شود. این مشکل شما نیست چرا آلبانیایی ها باید بهای آن را بپردازند.

دولت آلبانی طرف جنگی که مجاهدین با دولت ایران دارند نیست. چرا مردم آلبانی باید عواقبی مانند حملات سایبری را بپردازند؟ باید گفت که مجاهدین در هر کجا که بوده اند حتی در کشورهای عربی و غیره فعالیت های غیرقانونی داشته اند.

- برای شرایط ایجاد شده، چه فکر می کنید،

مقصر مجاهدین است یا واکنش پلیس؟

خیر قطعاً مجاهدین مقصر هستند، پلیس یک سال پیش تحت تبلیغات مجاهدین علیه آسیلا (انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی) که من مدیر عامل آن بودم، از مقر ما بازرسی انجام داد. ما در را به روی پلیس و اسپاک باز کردیم که آمدند و ما را تفتیش کردند. همه چیز را بررسی کردند. حالا می توانید مقایسه آسیلا و مجاهدین خلق رو انجام دهید. اگر مجاهدین خلق چیزی برای پنهان کردن نداشتند، هیچ فعالیت غیرقانونی نداشتند، چرا باید مانع شوند. چه چیزی را پنهان می کردند؟

- من یک سوال مستقیم از شما دارم که

چرا مجاهدین خلق را ترک کردی؟ به خاطر

عشق، چون میبینم با همسرت هستی یا دلایل

دیگه؟

دلایل زیادی. بعد از چند سال خودم را در زندان دیدم، من در زندان روحی و جسمی

تهیه کننده مستند «خبریه اشرف» تشریح کرد

۲ سناریو درباره آینده فرقه رجوی

سرکرده فرقه رجوی برای اقامت در اروپا با مشکلاتی مواجه شده



به اردوگاه لیبرتی رفتند که به اشرف ۲ معروف بود. نماینده ویژه سازمان ملل خیلی تلاش کرد که آن‌ها را جایی اسکان بدهد هیچ کشور عضو اتحادیه اروپا حاضر به پذیرفتن آن‌ها نشد. هم به دلایل امنیتی چون همه‌ی آن‌ها سابقه‌ی تروریستی داشتند هم به این دلیل که اکثر اعضای این سازمان افراد مستاصل روانی بودند و مشکلات روحی و روانی داشتند و هیچ کشوری قبول نمی‌کرد که چهار یا پنج هزار نفر روانی را در کشورش رها کند. بنابراین تنها یک کشور فقیر فاسد، تحت سلطه و مستاصی مثل آلبانی این‌ها را پذیرفت. آن‌ها خودشان پول هنگفتی به مقامات آلبانی دادند و هم وزارت خارجه آمریکا در زمان هیلاری کلینتون یک توافق چند میلیون دلاری کرد با آلبانی که به آن‌ها پناه بدهد. اگر چه دیگر کشورهای اروپایی اعضای این سازمان را نپذیرفتند اما آلبانی دلایل محکمی برای خودش داشت که به آن‌ها پناه داد. اولاً نیاز مالی داشت.

نیاز مالی که اغلب توسط خود سازمان تامین می‌شد و آمریکایی‌ها هم به آلبانی برای اینکار پول دادند. دوما اسرائیل نفوذ بسیار

و تاریخدان به این پرسش‌ها پاسخ داده است.

دلیل حمله پلیس آلبانی به اشرف ۳ چه بود و چرا این کشور از ابتدا پذیرای گروه فرقه رجوی شد؟ آیا توافق ایران و عربستان هم در این مساله تاثیر گذار بود؟

در سال ۱۹۸۶ سازمان موسوم به مجاهدین خلق طی یک توافق پنهانی و بعد آشکار تصمیم گرفتند که به عراق بروند. در طول هفده سالی که صدام بر سر کار بود بهترین مناسبات را داشتند و این سازمان به پول سرشاری از قبل عراق رسید که تا پنجاه میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. رقم بسیار هنگفتی است. هیچ گروه مخالفی در تاریخ بشریت این مقدار پول از قبل دشمن کشورش به جیب نزده است. بخش وسیعی از این مقدار پول نفت عراق بود. در سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ یازده سال کشمکش کردند که در عراق بمانند. برای آن‌ها در جوار ایران ماندن برایشان مهم بود. اما دولت جدید عراق به دلیل نفرتی که کردها و شیعیان عراق از مجاهدین خلق داشتند آن‌ها را بیرون کرد. در این فاصله آن‌ها

مجید تفرشی پژوهشگر و مستند ساز گفت: آلبانی انگیزه سیاسی و مادی برای میزبانی از فرقه رجوی را از دست داده است. به گزارش فراق، تهیه کننده و کارگردان مستند «خبریه اشرف» در گفت و گو با خبرنگار آنلاین اظهار داشت: سرکرده این فرقه برای اقامت در اروپا با مشکلاتی مواجه شده و در تازه ترین اتفاق این گروه رهبری سیاسی و مالی خود را به مریم فجر عضدانلو منتقل کرده است. چندی پیش دولت آلبانی با اعضای سازمان موسوم به مجاهدین خلق درگیر شد. این درگیری به زخمی و کشته شدن اعضای این سازمان منجر شد. بعد از این ماجرا دولت آلبانی به خاطر چالش‌های امنیتی و اخلاقی‌های به وجود آمده توسط این سازمان برای آن‌ها پرونده‌های قضایی تشکیل داده و برخورد سختگیرانه‌ای با آن‌ها پیش گرفته است. دولت آمریکا هم با تصمیم دولت آلبانی همدلی و موافقت کرده است. پرسش اصلی اینجاست که سرنوشت این گروه چه خواهد شد؟ آیا آن‌ها از آلبانی اخراج خواهند شد؟ مقصد بعدی آن‌ها بعد از آلبانی کجاست؟ مجید تفرشی پژوهشگر

دولت آلبانی را متقاعد کرد که موضع‌اش نسبت به مجاهدین را عوض کند.

شما فکر می‌کنید سرنوشت این گروه چه خواهد شد؟

در کوتاه مدت پیش می‌شود که منافقین به طور پنهانی و بدون شعارهای آشکار به یک گروه بسیار ثروتمند و با نفوذ تبدیل شود که از لابی‌های پنهان نیز برخوردار است. در کوتاه مدت نیز پیش می‌شود که از گروه فعلی و جریان سیاسی به یک فرقه ایدئولوژیک تبدیل شوند.

پیش بینی شما از اقدام بعدی آلبانی چیست؟ آیا اعضای فرقه رجوی از این کشور اخراج خواهند شد؟

دولت آلبانی هنوز اخراج آن‌ها را نخواست است اما برای آن‌ها پرونده‌های قضایی تشکیل داده است. یا مجبور می‌شوند که خیلی چراغ خاموش در آلبانی بمانند یا اینکه به جایی خارج از قاره‌ی اروپا منتقل شوند. این البته در کوتاه مدت محقق نمی‌شود آن‌ها بخاطر پول و لابی که دارند یازده سال بعد از صدام خود را در عراق نگه داشتند. آن‌ها در اسپانیا، بلژیک، فرانسه و حتی انگلیس لابی دارند و سیاستمداران قدیمی را با پول خود می‌خرند اما در دراز مدت احتمال دارد که کوچانده شوند. بخشی از آن‌ها هم ریزش می‌کنند الان گروه چهار، پنج هزار نفری که از عراق بیرون شدند، به یک گروه دو هزار نفری تبدیل شدند. نسل جوان به ندرت عضو این گروه خواهد شد.

شایعه انتقال اعضای فرقه رجوی به جمهوری آذربایجان را تا چه حد جدی می‌دانید؟

این که اعضای سازمان موسوم به مجاهدین خلق می‌خواهند به آذربایجان بروند شایعه است اما می‌تواند جدی باشد. از آنجایی که آذربایجان همجوار ایران است و علی‌اف رهبر فعلی این کشور با ایران روابط خصمانه‌ای دارد؛ ممکن است آن‌ها فکر کنند که می‌توانند به ایران راحت تر ضربه بزنند اما این خیال خام است. یکی به این دلیل که ایران در آذربایجان کم طرفدار ندارد. ما در کل جهان چهار کشور شیعه داریم یعنی ایران، آذربایجان، بحرین و عراق و این چیز کمی نیست. شیعیان آذربایجان هم قلبا ایران را دوست دارند و کشور ما در آذربایجان کم طرفدار ندارد.



افراد سازمان با خانواده‌هایشان هم داده نمی‌شد. در پایان وقتی که قرارگاه آن‌ها به پادگان اشرف ۳ و به یک مرکز سایبری ضد ایرانی تبدیل شد با هدف اخلال در سیستم‌های اینترنتی ایران و ساخت اکانت‌های مجازی علیه ایران در توئیتر و... تبدیل به یک چالش امنیتی بزرگ برای دولت آلبانی شدند. همه‌ی این‌ها در کنار توافق ایران با عربستان سعودی به نظر می‌رسد که این بعد از تاریخ مصرف مجاهدین تمام شده است. البته مجاهدین در افزایش تنش‌های یک سال اخیر ایران نقش جدی داشتند با پول و لابی و نفوذ زیادشان البته سیاست بر این بوده که اسم و رسم و پرچم آن‌ها آشکار نباشد. تاکید جدی می‌کنم این حرف اصلا به این معنی نیست که کسانی که در ماه‌های اخیر در اعتراضات ایران شرکت کردند وابسته به مجاهدین بودند. دست کم من معتقدم بیشتر کسانی که در اعتراضات اخیر حضور داشتند مطالبه‌ی راست و درستی داشتند. سازمان مجاهدین خلق حتما در این اعتراضات حضور داشتند و حتما می‌خواستند این اعتراضات را منحرف کنند. اما اینکه شما به خاطر حضور اقلیتی مثل مجاهدین خلق، خواسته‌ی اکثریت مردم را نادیده بگیرید کار احمقانه و نادرستی است. بازگردم به بحث اصلی همه‌ی این دزدسرهایی که عرض کردم

زیادی در آلبانی دارد. توافق مبنی بر این بود که این‌ها در آلبانی زندگی کنند و دست از اخلال آفرینی‌های سیاسی خود بردارند. اما بخاطر روحیه‌ی تجاوزگر رهبر مجاهدین خلق این اتفاق نیفتاد و آن‌ها دوباره شروع به فعالیت کردند. جنس فعالیت آن‌ها سایبری و اینترنتی شده بود. ایران هم بیکار ننشسته بود و تقابل به مثل می‌کرد. در عمل شرایط به جایی رسید که دولت آلبانی انگیزه‌ی مالی و توجیه سیاسی برای تحمل کردن آن‌ها را نداشت. در این مدت مریم رجوی از حضور در فرانسه هم منع شده بود. فقط چند بار با ویزای کوتاه مدت به فرانسه رفت و آمد می‌کرد در این فاصله منابع مالی گروه نیز به مریم فجر عضدانلو منتقل شد. اخلال‌هایی که توسط اعضای این سازمان در این سال‌های آخر به وجود آمده بود بسیار زیاد بود. یک اتفاق این بود که در سال‌های اخیر این سازمان با ریزش شدید اعضا مواجه شد و سران سازمان هم برای نگه‌داشتن اعضای خود به ارباب و شکنجه و بازجویی آن‌هایی که می‌خواستند سازمان را ترک کنند روی آوردند. تعدادی مرگ و میر هم اتفاق افتاد که بارها پلیس آلبانی نادیده گرفت. آن‌هایی هم که فرار می‌کردند تحت فشار فیزیکی دولت آلبانی بودند و حتی مزدوران مجاهدین خلق آن‌ها را کتک می‌زدند و می‌ربودند. اجازه‌ی ملاقات

گفت و گو با مریم سنجایی در ارتباط با وقایع اخیر پیرامون فرقه رجوی

دولت آلبانی با همه افراد درون کمپ مصاحبه کند

خانواده ها نبوده است. بالعکس هدفش از بین بردن همان خانواده ها و اعضا برای کشته سازی و تبلیغات و دور کردن خطر از خودش است. پس چطور سال ۶۰ همه اعضایش را بدون جا و مکان رها و خودش فرار کرد در حالی که می دانست با اعلام کردن فاز نظامی و رویایی مسلحانه جان همه آنها در خطر می افتد. چطور است که حتی اعضای زندانی اش را مجبور می کند با اسم و رسم از داخل زندان بیانیه حمایت از سازمان مجاهدین را امضا کنند یعنی آنقدر احمق هستند که نمی دانند با چنین اقدامی جان آن افراد به خطر می افتد و علنا اعلام محارب بودن می کنند.

مگر رجوی نمی داند شبکه های اجتماعی خارجی مرتبط با داخل در هر حال به نوعی ممکن است کنترل شود، پس چطور اکثر ارتباطات با اعضایش در داخل ایران طی سال های گذشته از طریق شبکه های ساده اجتماعی است و به آنها دستورات خرابکاری و عملیات ایذایی و آتش سوزی با تلفن عمومی می دهند.

اصولا فلسفه کانون های شورشی برای سازمان همین است که به راحتی آنها را در تله دستگیری بیندازند و پس از شکست آنها هو و جنجال کنند که آنها را دستگیر کرده اند و خوراک خبری تهیه کنند.

چرا که او شارلاتان تر و حقه بازتر از این حرفهاست که می داند با آتش زدن درب یک مکان یا چسباندن یک عکس به دیوار، حکومت ایران سرنگون نمی شود.

دولت آلبانی و فرانسه نباید فریب شانتاژهای فرقه رجوی را بخورند

سنجایی در ادامه تصریح کرد: می خواهیم از این فرصت استفاده کنیم و به دولت آلبانی و فرانسه بگوییم فریب حقه ها و شانتاژهای فرقه رجوی را نخورند. از دولت آلبانی می خواهیم اجازه تمرکز و تشکیل یک باند فرقه ای و گسترده را از سازمان مجاهدین بگیرد و بیش از این اجازه ندهند که این سازمان به فریب و قربانی کردن اعضای نگون بختش ادامه دهد.



هر طریق ممکن است و السلام. همکاری با اجانب، جاسوسی، مردم کشی و ترور، جلب پول های سیاه و به کشتن دادن اعضایش هیچکدام برای رجوی مهم نیست.

این عضو قدیمی نجات یافته در بخش دیگری از سخنان خود گفت: زمانی که در کمپ اشرف بودیم می گفتند به دور مقر ۴۹ بایستی دیوار گوستی تشکیل بدهید. بایستی سربازان عراقی از روی اجساد تمام شما بگذرند تا به مرکز مقر ۴۹ برسند و در واقعیت امر هم نگذاشتند. رجوی در حملات عراقی ها بیش از صد تن را عمدا به کشتن داد و صدها تن دیگر هم در رویارویی های پوچ با پلیس عراق زخمی شدند. می گفتند مگر چند نفر را می توانند بکشند و بزنند؟ صد نفر؟ دویست نفر؟ محال است بتوانند از دیوار گوستی هزار تن بگذرند. این تئوری رجوی برای قایم شدن در بین زنان و در داخل کمپ در آن زمان بود. می گفتند به محض حمله آن چنان سر و صدا و غوغای خبری راه می اندازیم تا از حرکت آن ها جلوگیری کنیم. این وسط صدها فردی که گوشت دم توپ بودند برای او مهم نبود.

نه خانواده و نه اعضا برای فرقه رجوی مهم نیست

مریم سنجایی با اشاره به بیانیه های اخیر فرقه پس از احتمال لو رفتن ارتباطات داخلی آن ها با ایران گفت: این بیانیه و هشدار دادن و اعلام نگرانی برای جان اعضا و خانواده از نگرانی رسیدن هارد و اطلاعات به ایران یاهو سرایی بیش نیست. او هیچ وقت نگران جان اعضا و

مریم سنجایی گفت: ارزش زنان برای رجوی در این حد است که او می خواهد فقط یک لایه بی صدا و دیوار گوستی که اعتراضی نکنند و گوش به فرمان او باشند به دورش حلقه بزنند.

به گزارش فراق، چندی پیش شاهد اقدام مثبت آلبانی در بازرسی از کمپ «اشرف ۳» و جمع آوری یگان سایبری فرقه رجوی بودیم. واقعیت است این اقدام دولت آلبانی اگر چه دیر هنگام ولی مثبت و قابل قدردانی است. سالهاست جامعه جداشدگان که روابط درونی این فرقه را دیده و صدمات بسیاری از آن خوردند فریاد می زنند سازمان مجاهدین یک فرقه تروریستی است که بیشترین ظلم را به اعضای خود نموده و به صورت پیچیده افرادش را در داخل مقرهایش به گروگان گرفته است.

با محاسبه افرادی که در دهه ۸۰ و ۹۰ از فرقه رجوی جدا شدند می توانیم بگوییم حدود دو هزار نفر تا کنون از این فرقه جدا شده، در گذشته و یا سربه نیست شدند.

برای تشریح وقایع اخیر فرقه رجوی و تحلیل آینده این فرقه گفت و گویی با خانم مریم سنجایی داشتیم که در ادامه از آن را می خوانید:

لازم به توضیح است متن کامل این گفت و گو در سایت فراق در دسترس است و به جهت محدودیت فضا بخش هایی از آن را در اینجا می خوانید

هدف اصلی فرقه حفظ جان بی مقدار رجوی است

عضو نجات یافته از فرقه رجوی در ابتدای این گفت و گو با اشاره به آمار اعضای این فرقه گفت: زمانی که من در دهه ۸۰ مسئولیت پرونده های پرسنلی فرقه را به عهده داشتم، اعضای فرقه حدود چهار هزار و ۵۰۰ نفر بودند. هم اکنون بر اساس آخرین آمار اعلامی دولت آلبانی حدود دو هزار و ۵۰۰ تن از آن ها باقی مانده است.

وی افزود: هدف اصلی فرقه صرفا حفظ جان بی مقدار رجوی و به قدرت رسیدنش به

محمد اکبرزاده

امید داریم راه ما به آلبانی باز شود



محمد اکبرزاده گفت: حمله اخیر پلیس آلبانی به مقر فرقه رجوی و باز شدن درب این مجموعه از لطف خدا است و به اعتقادم اشتباهاتی که آن فرقه انجام داد باعث شد که دیوار اردوگاه تیرانا بشکند و امید داریم که راه ما به آلبانی باز شود.

به گزارش فراق، محمد اکبرزاده در گفتگو با خبرنگار سیاست خارجی ایرنا درباره نحوه پیوستن برادرش به این فرقه اظهارداشت: برادرم عیسی سال ۸۰ چندین مرتبه سفر کاری به ترکیه داشت و چند ماهی آنجا ماند و برگشت که متأسفانه در آخرین سفر خود به این کشور در دام گروه مجاهدین خلق افتاد. وی ادامه داد: بعد از این ماجرا تقریباً یک سالی از برادرم خبر نداشتیم؛ حتی از طریق صلیب سرخ، مجاری قانونی و سفارت پیگیری کردیم ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیدیم؛ در نهایت با پیگیری‌های بیشتر متوجه شدیم که در «پادگان اشرف» است.

برادر این عضو فریب خورده فرقه رجوی با اشاره به اینکه پذیرش این اتفاق برای ما بسیار دشوار بود، گفت: از طرفی مطمئن هم نبودم که در آن اردوگاه باشد، چرا که برادرم اصلاً آدم سیاسی نبود و در حوزه نمایش و هنر فعالیت داشت و اصلاً آن گروه را نمی‌شناخت.

به گفته اکبرزاده مهر ماه سال ۱۳۸۲ که آمریکا به عراق حمله کرد و صدام هم متواری شده بود، فرصتی به وجود آمد که خودم را به مقر پادگان اشرف برسانم تا برادرم را ببینم و آنجا وقتی متوجه پیشینه فعالیت مذهبی من بودند، با من برخورد مناسبی نکردند و اجازه خروج برادرم را هم ندادند.

گردهمایی انجمن نجات مقابل سفارت ترکیه حافظ منافع آلبانی

وی به اتفاقات سال ۸۸ و اجبار سازمان به تخلیه پادگان اشرف اشاره کرد و تصریح کرد: من و خانواده‌مان جزو خانواده‌هایی بودیم که مداوم در آنجا تحصن می‌کردیم و حتی افتخار این را داشتیم تا از خانواده‌هایی که یکی از

فقط نگاه و اشک بین ما برقرار بود و ارتباط کلامی نداشتیم.

اکبرزاده همچنین به فعالیت‌ها و حمایت‌های انجمن نجات اشاره داشت و اظهار کرد: این انجمن متشکل از همین خانواده‌های گرفتار در بند اشرف و حتی آزاد شده از آن است که در راستای نجات افراد تلاش‌ها، افشاگری‌ها و اطلاع‌رسانی‌های بسیار خوبی را طی این سالها انجام داده است.

وی در پایان «حمله پلیس آلبانی به مقر فرقه رجوی» و باز شدن درب این مجموعه را هم لطف خدا دانست و معتقد است اشتباهاتی که فرقه رجوی انجام داد باعث شد که این دیوار بشکند و امید داریم که راه ما به آلبانی باز شود.

گفتنی است، تجمعی با حضور خانواده‌های اعضای گرفتار شده در گروه مجاهدین خلق به منظور قدرانی از دولت و دستگاه قضایی آن کشور به واسطه کنترل گروه مزبور، روز جمعه نهم تیرماه در مقابل سفارت ترکیه به عنوان حافظ منافع کشور آلبانی برگزار شد.

اعضای آنها درگیر این سازمان بودند پذیرایی کنیم و صدای آنها را به بچه‌هایشان برسانیم.

برادر این عضو فرقه رجوی افزود: در آنجا تمهیداتی چون نصب بیش از ۳۰۰ بلندگو را انجام دادیم تا هر روز خانواده‌ها بتوانند با عزیزان خود صحبت کنند البته باید بگوییم «در آنجا جنگ روانی برقرار بود» و اعضای گروه عزیزانمان را نسبت به ما بدبین می‌کردند، در واقع می‌گفتند که آنها خانواده شما نیستند؛ اما با تمام وجود و علی‌رغم تمام موانع و سنگاندازی‌های سازمان برای برقراری ارتباط با افرادی که آنجا اسیر بودند؛ به خواسته خود رسیدیم.

وی که همچنان به دنبال روزنه‌ای برای یافتن برادرش و آزاد کردن او از اسارت فرقه رجوی است، در پاسخ به این پرسش که اگر بعد از این مدت عیسی را ببیند، چه واکنشی خواهد داشت، بیان کرد: اگر بعد از این همه سال او را ببینم حسی غیرقابل وصف خواهم داشت، چه بسا گاهی وقتی از پشت سیم خاردارهای پادگان اشرف همدیگر را می‌دیدیم

آتش ما را بیدار

خانواده های اسیران فرقه رجوی با اراده ای محکم قیام کردند تا عزیزان خود را از فرقه شیطانی رجوی نجات



بغزاید فراق

■ دهند گزارش تصویری از تجمع خانواده های عضو انجمن نجات در مقابل سفارت ترکیه در تهران / ۹ تیر



شما در ابتدا آزادی را معنا کنید

رضا اکبری نسب - عضو خانواده های قربانیان رجوی



مجله خبرک تحلیلی

و عملی به حفظ منافع ملی کجاست که ما نمی بینیم و تو بدون بیان فاکتی بر روی آن صحنه می گذاری؟ وانگهی مگر شماها از این گروه فرفوی دشمنان سفاک مردم ایران حمایت نکرده اید و نمی کنید و اگر بخواهید بیش از این بکنید، چه غلط اضافی مانده که انجام نداده اید؟ شما آقای سفیر اسبق، چرا تنبلی کرده و نمونه های دموکراتیک بودن مجاهدین رجوی را بر نمی شمارید؟

آیا شما در جریان شستشوی مغزی شدن هزاران نفر از اعضای مفلوک این گروه جانی که همه مردمی که دستی در مطالعه دارند، وقوع این جنایت را تایید می کنند، قرار ندارید؟ آیا طلاق های مطلق اجباری و آواره ماندن بچه های قربانی و بی گناه این طلاق ها که با شدت تمام در این تشکیلات ساری و جاری بود، وجدان شما را آزار نمی دهد؟

مجاهدین برای نشان دادن اینکه دشمن دموکراسی هستند، چه کارهای دیگری میتوانستند بکنند تا شما را قانع کنند که چشم در چشم مردم به آنها دروغ نگویند؟

البته ما مردم ایران توقعاتی از فرزندان کسانی که جهان و از جمله کشور ما را مستعمره و عقب مانده کردند و اینک بچه هایشان بر روی استقلال ما با حمایت از رجوی های وطن فروش شمشیر می کشند، نداریم.

مناسبات و تاریخچه ننگین مجاهدین خلق نداشته باشد و یا وقاحت لازم را برای قلب حقیقت داشته شد. وقاحتی که نتیجه دستمزد های هنگفت است. چاک والد بعنوان یکی از سخنرانان، با کمال وقاحت ابراز نموده که در برابر ایران مماشات شده و این عمل در اصل اجرا نشده را محکوم کرده و توصیه موکدی بر آوردن فشار بیشتر و بازهم بیشتر بر علیه ایران کرده که از آنجائی که ایران در مقابل این فشارهای حداکثری به سوی روئین تن شدن می رود، حرف مفتی زده است. سفیر سابقی بنام رابرت جوزف گفته که از نظر او ۴۴ سال است سیاست آمریکا در قبال حکومت ایران شکست خورده است.

در این بین انسان باغیرت و با وجدانی وجود نداشته که در جواب او بگوید که اگر سیاست های آمریکا در مقابل ایران شکست خورده، چرا توصیه نمی کنی که دست از تحریم و دخالت در امور ایران و جهان بردارد تا کارها به روال عادی برگردد؟

چاک والد گفته که مجاهدین و مقاومت ایران یک آلترناتیو مؤثر محسوب می شوند. ما باید از این آلترناتیو حمایت کنیم و نباید بی تفاوت باشیم. و من در جوابش می گویم که نشانه های این آلترناتیو در درجه اول داشتن پایگاه وسیع اجتماعی و التزام فکری

خرداد ماه و تیر ماه امسال شکست های پی در پی برای باند رجوی با خود به همراه داشت. از استقرار پلیس آلبانی و چک امنیتی کمپ اشرف ۳ تا عدم صدور مجوز برای گردهمایی و یا بهتر بگوییم شوی سالانه مجاهدین خلق در فرانسه. به هر ترتیب بعد از کش و قوس های فراوان و لابی گری و عز و التماس، فرانسه مجوزی در حد برگزاری تجمع خیابانی برای فرقه صادر کرد. به این ترتیب مجاهدین خلق سراسیمه سیاهی لشکر پولی خود را جمع کردند. سیاهی لشکری متشکل از افراد عادی و پناهجویان در مضیقه مالی و تعدادی هم صاحب مقام و منسب سابق که در ازای پول هر حرفی از دهانشان صادر می شود. نام بی مسمایی هم بر این کارناوال گذاشتند: کنفرانس جهانی ایران آزاد! شعارهای مطرح شده در این تجمع هیچ ارتباطی با آزادی نداشت. برعکس بحث بر سر فشار مضاعف بر ملت ایران بود تا این که به هر طریق ممکن تسلیم سلطه گر اعظم جهانی در حال افول شوند و در این رهگذر نمدی هم نصیب مریم رجوی گردد!

یکی از سخنرانان گفته است که چرا باید سازمانی دموکراتیک که به حقوق بشر پایبند است در لیست تروریستی قرار بگیرد که واقعا جای خنده است. این ادعا تنها از دهان کسی می تواند خارج شود که هیچ شناختی از

❖ فرقه تروریستی رجوی با حبس اعضای خود در داخل یک مقر در خارج از شهر و جدا کردن آن‌ها از جهان بیرون، طلاق‌ها و ازدواج‌های اجباری و دعوت به تجرد طبق صلاحدید سازمان و ... دم از حمایت از انسانیت و آزادی می‌زند! زنان باقی مانده در «شرف ۳» بزرگترین قربانیان این فرقه جنایتکار هستند که همه چیز از سیمای آن‌ها هویداست.



روزنامه‌نگار آلبانیایی، سفیر مادران چشم انتظار شد

چه سخت است گریه های این مادر



روزنامه‌نگار مستقل آلبانیایی با انتشار تصویری از خود در مقابل ساختمانهای اولیه فرقه رجوی در تیرانا، سفیر مادران چشم انتظار شد.

به گزارش فراق، جرجی تاناسی، عضو انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی با انتشار تصویری از خود همراه با بالنی در دست که تصویر یکی از مادران چشم انتظار اسیران فرقه رجوی در آن به چشم می خورد، در صفحه شخصی خود نوشت:

«امروز دوباره روزم را با بالن انتظار آغاز کردم، دوستان عزیز ضد تروریسم (رفقا) آیا می توانید موقعیتی که این عکس گرفته شده را پیدا کنید؟ بله درست حدس زدید، جواب

اعضای این انجمن آشنایی دارد بارها با حضور در نشستهای مختلف خبری خطرهای حضور فرقه رجوی در کشور خود را گوشزد کرده است.

مقر سابق فرقه رجوی در تیراناست. و چه سخت است گریه های این مادر...»
جرجی تاناسی که از نزدیک با فعالیت های انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی (آسیلا) و

انجمن حمایت از ایرانیان مقیم در آلبانی (آسیلا) شبانه روز برای ساختن زندگی پر از عشق و امید برای اعضای خود تلاش می کند. اعضای آسیلا با شجاعت تمام میگویند از تلاش برای نجات اسیرانی که در فرقه رجوی هستند کوتاهی نکرده و تا آزادی تک تک آنها به افشاگری علیه فرقه تروریستی رجوی ادامه خواهند داد.

تلاش انجمن «آسیلا» برای ساختن زندگی پر از عشق و امید برای اعضای خود





درخواست خانواده های عضو
انجمن نجات از کمیته بین المللی
صلیب سرخ

محیطی امن برای ارتباط با عزیزانمان فراهم کنید

با اختلاف افکنی و جنگ بتواند فضای بسته فرقه ای خود را حفظ کرده و از اعضای گرفتار سوء استفاده کند. جلوگیری از اختلاف و جنگ و تنش از مسئولیتهای ذاتی صلیب سرخ است و ما در این رابطه انتظار تلاش و مساعدت داریم

۶- بیش از دویست نفر از اعضای مخالف که خواهان جدایی هستند در شرایطی سخت در انزوا نگاه داشته شده اند و همچنین بیش از هزار تن دیگر از اعضای سازمان در آلبانی، خواستار خروج از سازمان می باشند ولی به دلیل ترس از شکنجه ها و برخوردهای غیر انسانی رهبران سازمان مجبور به عدم پیگیری مصرانه درخواست خود شده اند و هیچ یک از اعضا اجازه تماس با خانواده های خود را ندارند و از منبعی که میتواند به صورت، مادی، معنوی روحی و جسمی آنان را یاری دهد محروم شده اند. صلیب سرخ میتواند با فراهم کردن محیطی امن برای ارتباط این منبع را در اختیار آنان قرار دهد تا از فجایع و احتمال وقایع تلخ جلوگیری کند. ما طبق اساسنامه کنفرانس بین المللی صلیب سرخ مصوب ۱۹۶۸ میلیم در همکاری داوطلبانه با صلیب سرخ و در اختیار گذاشتن توان مالی و انسانی خود به عنوان نیروهای داوطلب صلیب سرخ را در جهت پیشبرد مسئولیتهايش طبق مصوبات و تحت نظر این نهاد بین المللی یاری دهیم.

خانوادههای عضو انجمن نجات ۱۸ اردیبهشت در تجمع خود مقابل مقر کمیته صلیب سرخ در تهران از این نهاد خواستند به وظایف قانونی خود در مقابل ناپدیدشدگان اجباری عمل نموده و در برابر خانوادهها پاسخگو باشد.

ماده ۵/۳ اساسنامه این سازمان درج شده است درخواست یاری و همکاری داریم.

۲- عزیزان گرفتار ما در سازمان مجاهدین خلق در شرایطی دشوار مغایر با قوانین بین الملل و قانون، پناهندگی اکنون در آلبانی تحت شدیدترین فشارهای روحی و مغزشویی فرقه ای و شرایط بد جسمانی زندگی می کنند شرایطی که طبق مصوبه ۱۹ ژوئن ۱۹۷۷ کمیته راهبردی صلیب سرخ در ذیل قربانیان شرایط خشونت آمیز طبقه بندی شده و یاری مسئولانه صلیب سرخ را می طلبد.

۳- همان گونه که در مأموریت صلیب سرخ جلوگیری از آلام و تسکین آن و حمایت از زندگی و سلامت و تضمین احترام انسانها به خصوص در شرایط اضطرار آمده است انتظار داریم اعضای گرفتار با یک دیپلماسی بشردوستانه توسط صلیب سرخ به یک زندگی ساده پناهندگی دست یافته و از زندگی فرقه ای و شرایط سخت روحی و جسمی نجات یافته و جلوی فجایعی مثل قتل و خودکشی فردی و جمعی گرفته شود.

۴- اصول بنیادی حقوق بشر مانند ازدواج - دسترسی به اطلاعات - امکانات، بهداشتی درمانی، رفاهی آموزشی و آزادی بیان و عقیده بر اساس شهادت صدها عضو جدا شده در داخل و خارج از (ایران) از اعضای گرفتار سلب شده است. ما خواهان تلاش صلیب سرخ برای تأمین حداقلی این حقوق پایه ای هستیم

۵- فرقه خشونت طلب رجوی در آلبانی هیچ خانواده یا نهاد بین المللی را نپذیرفته و مدام در حال توطئه علیه اعضای مخالف خود نزد پلیس آلبانی و همچنین توطئه علیه خانواده ها نزد مردم شریف آلبانی بوده تا شاید

خانواده های عضو انجمن نجات ۱۸ اردیبهشت ماه سال جاری همزمان با تجمع خود در مقابل مقر صلیب سرخ در تهران در بیانیهای از کمیته بین المللی این نهاد خواستند تا ضمن فراهم کردن محیطی امن برای ارتباط آنها با عزیزانشان از فجایع و احتمال وقایع تلخ جلوگیری کند.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، در متن بیانیه رسمی انجمن نجات که توسط ابراهیم خدابنده تحویل این نهاد شد، آمده است:

انجمن نجات آسیب دیدگان از خشونت برآمده از افراد جداشده و خانواده های اعضای دربند سازمان مجاهدین خلق در آلبانی می باشد که از سال ۱۳۸۲ تاکنون مجموعه ای از اقدامات، فرهنگی، حقوقی، رسانه ای و... را با هدف آزادسازی عزیزانشان از چنگال سرکردگان فرقه ضد بشری مجاهدین خلق به انجام رسانده است ضمن تبریک فرا رسیدن سالروز تأسیس صلیب سرخ، جهانی بر خود لازم میداند در راستای اهداف این انجمن و همچنین با تأکید بر اصول و مسئولیتهای بنیادین صلیب سرخ نکاتی را برای استحضار و اقدام شایسته تقدیم نماید

۱- ما خانواده های اعضای گرفتار در اردوگاه بسته و دورافتاده سازمان مجاهدین خلق در آلبانی که در شرایط سخت و غیرانسانی به سر می برند سالهاست که با همه محدودیتهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی برای ارتباط با عزیزانمان و کسب خبر از اوضاع جسمی و روحی آنان در تلاش هستیم ما از صلیب سرخ جهانی که بر مبنای انسانیت، بی غرضی بی طرفی و استقلال همان طور که در

صمد اسکندری، نماینده حقوقی اعضای جدا شده از فرقه رجوی

دولتمردان آلبانی خود را آلوده سران مجاهدین نکنند



جداشدگان و خانواده های چشم انتظار جنایات فرقه منفور و بد ذات مجاهدین را نه فراموش می کنند و نه می بخشند

فشارهای غیر انسانی زندگیشان در خطر جدی قرار دارد و فشار مضاعف و غیر عرفی دولت علیه اعضای جدا شده ساکن در آن کشور تحت پوشش انجمن آسیلا یکی از مهمترین آثار حقوقی همکاری دولت آلبانی با مجاهدین بشمار می رود. اینجانب به عنوان نماینده حقوقی اعضای جدا شده به استناد مدارک و شواهد عینی و حکم صادره دادگاه بین المللی که جنایت علیه بشریت توسط مجاهدین را محرز کرده است از شخص نخست وزیر و سایر دولتمردان کشور آلبانی تقاضا دارم دست در دست عناصر رذل و جنایت پیشه مجاهدین نگذاشته و خود را آلوده گناهان غیر قابل بخشش سران مجاهدین نکنند. جداشدگان و خانواده های چشم انتظار جنایات فرقه منفور و بد ذات مجاهدین را نه فراموش می کنند و نه می بخشند.

و قول مساعد برای بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی آن کشور مشخص می شود که منفعت سیاسی ادی رامه، نخست وزیر آلبانی برای تحقق نظام اقتصاد مدرن و به تبع آن تحکیم قدرت سیاسی حزبی پایه ریزی شده است. ولی نخست وزیر به تبعات و عواقب انسانی و ابعاد حقوقی این موضوع هیچ فکری نکرده است زیرا پناه دادن به مجاهدینی که در عراق تحت تعقیب قضایی آن کشور بابت جنایت جنگی قرار دارد و گروهی که با نقض ابتدایی ترین حقوق اعضای خود در جهان و نزد مردم ایران منفور شدند به مثابه همدستی با مریم رجوی به حساب می آید.

ممانعت دولت آلبانی از خواسته به حق پدران و مادران چشم انتظار مبنی بر ملاقات با فرزندانیشان که در کمپ مجاهدین در شهر دورس آن کشور در اسارت بوده و تحت

نماینده حقوقی اعضای جدا شده از فرقه رجوی از نخست وزیر و دولت مردان کشور آلبانی خواست دست در دست عناصر رذل و جنایت پیشه مجاهدین نگذاشته و خود را آلوده گناهان غیر قابل بخشش سران این فرقه نکنند. به گزارش فراق، صمد اسکندری در یادداشتی به همین بهانه نوشت: از آنجایی که دولت آلبانی فاقد یک نظام مدرن اقتصادی رقابتی و نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی در جهان کنونی است لذا موفق به حل همه مشکلات و مسائل مورد خواسته جامعه آن کشور نشده است از این رو با معضلات جدی فساد دولتی و سایر موارد مواجه است. با توصیف یاد شده علت موافقت دولت آلبانی به جهت حضور مجاهدین خلق در خاک آلبانی و حمایت دولت مردان آن کشور از سران مجاهدین که با دستور آمریکا و پرداخت رشوه

روایت «باقر محمدی» از نحوه ارتباطگیری خود با برادرش پس از ۳۲ سال

مخفیانه وارد تلگرام شده و توانستم به برادرم وصل شوم



گفتم نمیکنم. بعد از ۳۲ سال آن ها را پیدا کردم قطع نمیکنم....

بحث ها بالا گرفت تا اینکه یک روز رفتم پیش مسئولم گفتم چرا این همه مدت به من دروغ گفته اید و با من صادق نبودید. تمام حرف های شما در مورد خانواده دروغ است. بعد از این جریان مرا دلداری می دادند و تقصیر را گردن دیگر مسئولین می انداختند. به هر شکلی می خواستند مرا آرام کنند که آنها را ببخشم ولی از آنجایی که دست همه آنها برایم رو شده بود با خودم گفتم هر طور که شده باید از این سازمان لعنتی بزنم بیرون.

وقتی سازمان متوجه شد که تصمیم قطعی برای جدایی گرفتم خودشان را به در و دیوار میزدند که مانع جدایی من بشوند و می گفتند چرا میروی نرو هر امکاناتی که بخواهی در اختیارت می گذاریم. هر چیزی نیاز داری بگو فقط بیرون نرو. من هم گفتم این همه سال به من وکل نفرت دروغ گفتید حالا می خواهید مرا با چند تا وسیله نگه دارد. کور خواندید گفتم و از فرقه جدا شدم. هم اکنون با خیال راحت در آلبانی زندگی می کنم و از بدبختی هایی که این همه سال کشیدم راحت شدم. خدا را شکر میکنم که سالم و سر حال و شاد در میان مردم مهربان آلبانی آزادانه زندگی می کنم.

به امید روزی که همه نفرت از اسارت و زندان سازمان مجاهدین آزاد شوند و طعم زندگی آزاد را در جامعه بچشند.

نگفته بود. من هم اصلا خبردار نشده بودم چون مسئولیت کاریم در قنادی و مجتمع غذایی بود ما را برای مقابله به درب اشرف و یا دیگر درب های فرعی مثل درب شمال یا درب شرق که خانواده ها حضور داشتند نمیدادند.

از هیچ چیز خبر نداشتیم و فکر می کردم خانواده من برای این کارها نمی آیند. فقط یک بار به من، آن هم در لیبرتی گفتند. تعدادی را صدا کردند آن هم اینطور توجیه کردند که مزدوران حکومت ایران می آیند پشت سیاح به اسم خانواده ولی اینها همه دروغ است از طرف حکومت ایران هستند و ما هم باور می کردیم.

به آلبانی منتقل شدیم و چون کارم با کامپیوتر و فضای مجازی بود هر روز دنبال این بودم تا خبری از خانواده ام پیدا کنم. آن هم دزدکی که کسی نفهمد. چون اگر خبر دار می شدند از قسمت کامپیوتر مرا بر می داشتند و کاری می کردند که دسترسی به فضای مجازی نداشته باشم. یک روز که مشغول کار کار با کامپیوتر بودم وارد تلگرام شدم. یک هم شهری پیدا کردم و از او سراغ خانواده ام را گرفتم. با او دوست شدم و از طریق او توانستم به برادرم وصل شوم. همین که وصل شدم توانستم از وضعیت آنها بعد از ۳۲ سال با خبر شوم.

هر شب با آن ها از طریق تلگرام چت می کردم چون امکان حرف زدن صوتی نداشتیم. می گفتند چرا زنگ نمی زنی صحبت کنیم می گفتم موبایل ندارم. باور نمی کردند. برادرم میگفت هر بچه ای که میبینید موبایل دارد تو چطور نداری؟ گفتم یک موبایل عقب افتاده دارم که حساب مجازی با آن باز کرده ام و آن هم پیش خودم نیست اصلا برایشان باور نکردنی نبود.

پس از گذشت روزها از رابطه ام و تماس با خانواده ام سازمان این موضوع را فهمید. مرا صدا کردند و تذکر دادند این چه کاری است که انجام دادی؟ مرز سرخ رد کردی. تماس با خانواده نداریم. باید ارتباط را قطع کنی. من هم

یک روز که مشغول کار کار با کامپیوتر بودم وارد تلگرام شدم. یک هم شهری پیدا کردم و از او سراغ خانواده ام را گرفتم. با او دوست شدم و از طریق او توانستم به برادرم وصل شوم. به گزارش فراق، باقر محمدی عضو نجات یافته از فرقه رجوی در تیرانا در یادداشتی نوشت: در سال ۸۲، خانواده ها برای دیدار با عزیزانشان به عراق و به پادگان اشرف آمدند. گاهی خانواده میتوانست تا چند هفته در آنجا بماند ولی این ملاقاتها زیاد دوام نیاورد و سازمان متوجه شد که این دیدارها به نفعش نیست. سازمان دیدارها را متوقف کرد و هر چه اعضا اعتراض کردند که اجازه بدهید با خانوادههایمان ملاقات کنیم قبول نکرد و هیچ ایرانی را به داخل اشرف راه نداد.

من به یاد دارم که در یک نشست جمعی مسعود رجوی مفصل در مورد خانواده ها صحبت کرد و گفت خانواده ضد مبارزه است و خانواده آمده که شما را از مبارزه دور کند و به ایران برگرداند. خانواده می خواهد شما را به ندامت بکشاند و کلی حرف های بد و بیراه علیه خانواده می زد.

با این حال خانوادهها ول کن نبودند، جلوی درب اشرف میآمدند و درخواست ملاقات با فرزندان خود را داشتند. ماه ها به انتظار مینشستند شاید فرزندان خود را ببینند و با بلندگو پیام می دادند. در این میان سازمان، با خانواده ها درگیر می شد و سنگ پرانی و فحاشی میکرد. آن ها با پخش آهنگ از بلندگو های بسیار قوی کاری می کردند که پیام خانواده ها به داخل اشرف نرسد.

کاری کرده بودند که نفرت در نشست های عمومی بلند می شدند بر علیه خانواده خود بد و بیراه می گفتند، البته مجبور می کردند و اگر این کار را نمی کردند تو هنوز طرفدار خانواده هستی و خانواده را دشمن خود نمی دانی!

بارها خانواده خود من به درب اشرف آمده بودند، ولی کسی در این مورد به من چیزی



رجوی ها سلاحی دارند به نام «وقاحت»

مالک بیت مشعل

یکی از راننده های عراقی که برای فرقه کار می کرد، می گفت، رجوی ها سلاحی دارند که با همین آدم ها را ساکت می کنند، آن هم «وقاحت» است.

به گزارش فراق، مالک بیت مشعل عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی با انتشار روایتی درباره وقاحت های بدون مرز در فرقه رجوی نوشت: همه میدانیم کلمه وقاحت چی هست و چه معنایی دارد ولی باور کنید در فرقه رجوی وقاحت آن قدر زیاده که بالاتر از این کلمه می باشد.

اما کجا من به این وقاحت پی بردم؟ آنجایی که بحث خانواده شد و نشست می گذاشتند و مخ آدمها را پر میکردند که سر خانواده سنگ بزنند و فحش بدهند.

در یک نشست، صحبت از خانواده شد و یکی گفت آخه هر چه باشه اینها خانواده ما هستند. پدر، مادر، خواهر یا برادر من هستند که می آیند. در جا مسئول نشست (عسکر) گفت، وقتی دشمن تو هستند مگه میشه گفت خانواده هستند. نه اینها دشمن هستند. نباید عاطفی به این مسئله نگاه کنیم. خانواده ضد مبارزه و فتنه است. اینجا بود که وقاحت این فرقه و خیلی از مسائل دیگر را من با چشم دیدم و با گوش شنیدم.

برای مثال نفر تا وقتی در فرقه هست همه اسم هایی که رجوی برای دلخوشی

روی او گذاشته را به او میگویند ولی وقتی که نفر می گوید می خواهم بروم دیگر تمام اسم ها برعکس می شوند و بریده، مزدور و غیره نصیب او می شود.

وقتی عضوی پدرش فوت می کند به او نمیگویند. وقتی خانواده ای می آمد عراق و از آنها میپرسید که فرزند ما اینجا است؟ می گفتند نه، چنین اسمی نداریم و خانواده ناامید بر میگشت. بعد مدتی که فرد می فهمید و به مسئولین می گفت که چرا به من نگفتید؟ آنها با تمام وقاحت و ریلکس می گفتند انتقاد به نفری است که این را به تو زده است.

قبل از حمله عراقی ها به مقر اشرف، یکی از زنان رده بالا به فرمانده عراقی میگه شما اومدید خونه ما و بدون اجازه وارد شدید شما باید معذرت خواهی کنید! وقاحت را نگاه کنید. عراقی ها میگفتند زمین و خاک و کشور برای عراق است و شما به خاطر مزدوری برای صدام بود که اینجا آمدید. علاوه بر این حالا شما زمین های کشاورزان ستمدیده را غصب کردید. یکی از عراقی ها می گفت این ارثی که صدام برای عراق گذاشت و رفت.

باور کنید که هیچ کس و هیچ انسانی به وقاحت اینها نمی رسد.

حتی در نشست ها که دروغی رو می شد با بحث ایدئولوژیکی سرهم می کردند.

خیلی از نامه هایی که خانواده ها برای فرزندانشان می فرستادند را فرقه فتوشاپ و ضد نفر درست می کرد تا او را دشمن خانواده کند. خیلی هم افتخار می کردند که در مقابل خانواده به خاطر رهبر عقیدتیشان مبارزه می کنند.

رجوی ها حقوق عراقی هایی که برایشان کار می کردند را هم نمی دادند. یادم است راننده بدبختی را آن قدر دواندند که به گریه افتاد و گفت اشتباه کردم برای شما کار کردم و در مقابل به او گفتند ما اشتباه کردیم به تو کار دادیم. من در قسمت اجتماعی و مترجم عربی بودم. راننده ها همه چیز را به من می گفتند. یکی به من گفت، اینها سلاحی دارند که با همین آدمها رو ساکت می کنند، آن هم وقاحت است.

این حرف های یک راننده عراقی بود که برای فرقه کار می کرد، اسمش امین و خیلی به من نزدیک بود. به من می گفت خواهشا چیزی به این ها نگو وگرنه پول مرا نمیدهند. عین همین کاری که اینجا در آلبانی دارند میکنند؛ جاسوسی و آدم فروشی، میگویند پشت سر دوستانتان موضعگیری کنید و بد و بیراه بگید و از سازمان دفاع کنید تا پول بدهیم. باور کنید رجوی ها آبروی هرچه آدم وقیح است را خریدند!

مشاهدات «بخشعلی علیزاده» از ارتباطات اجتماعی در آلبانی



کنند بویژه زندانیان سیاسی را، به بند زندانیان خطرناک منتقل کرده و در آنجا با کنترل طرف را بقتل می رسانند، طوری که کسی متوجه هیچ چیزی نشود، به قول خودمان «آب از آب تکان نخورد»

و بی جهت نیست که فرقه رجوی توانسته در آن محیط جای گرفته و دوام بیاورد زیرا با هر حرکت از سوی اعضای منتقد با کمک همین دستگاه امنیتی خشن و بی رحم آلبانی طرف های مقابل را سرکوب میکند.

نمونه های واضح و غیر قابل انکاری داریم مانند برخورد بسیار زشتی که با پدر و مادر خانم سمیه محمدی در تیرانا انجام دادند که از کانادا به آلبانی رفته بودند تا فرزند خود را ببینند، یا موارد متعدد آزار و اذیت جدادشگانی که در آلبانی زندگی می کنند و مدام با درخواستهای ضد انسانی رجوی از سوی نیروهای امنیتی این کشور مورد برخوردهای خشن قرار می گیرند.

البته بسیاری از ناظران معتقد هستند که

اقتصادی در این کشور حاکم است که در نوع خود بی نظیر می باشد. به رغم اینکه حکومت فاشیستی انور خوجه، رهبری سابق این کشور ساقط شده است ولی سیستم امنیتی کشور بر اساس همان قوانین سابق قرار دارد، یعنی قوانینی که مجریان قانون در زمان خوجه انجام می دادند.

به جز روزهای ویژه مثل سفر یک مقام عالی رتبه از اتحادیه اروپا و یا آمریکا شما به ندرت در خیابان پلیس می بینید، زیرا همه پلیس ها لباس شخصی هستند و شما نمی توانید آنها را تشخیص دهید. هر کسی که از قوانین سر پیچی نماید به سرعت دستگیر شده و تا تفهیم اتهام در زندان های بسیار کثیف باقی خواهد ماند. زندان هایی که به شدت خطرناک نیز هستند زیرا مجرمینی در آنجا نگهداری می شود که بعضا به قتل و تجاوز و امثالهم محکوم شده و دارای حبس های طولی المدت هستند.

بنابراین اگر بخواهند سر کسی را زیر آب

چندی پیش خبری در فراق در خصوص محکومیت آلبانی در دادگاه حقوق بشر اروپا خواندم که نظرم را جلب کرد.

بنده از آنجایی که تقریبا یک سال و نیم در آلبانی بودم و بسیار در خصوص حکومت داری و نظام آنجا کنجکاو بوده و از کسانی که عمدتا شهروندان بودند سوال می کردم تا به نحوه وضعیت کشور آلبانی پی ببرم، نکات بسیار جالبی را دریافته بودم که دیدم با گزارشی که در سایت فراق درج شده چقدر مطابقت دارد.

ابتدا اینکه این کشور سالهاست که تلاش می کند تا خود را به اتحادیه اروپا (حوزه شنگن) متصل کند ولی موفق نبوده زیرا دو کشور آلمان و فرانسه ممانعت به عمل می آورند، آنها برای پیوستن آلبانی به اتحادیه اروپا شرایطی را گذاشته اند که تا آن شرایط محقق نگردد آلبانی نخواهد توانست که به اتحادیه اروپا ملحق شود و اقتصاد نابسامان خود را سر و سامانی بدهد.

در واقع یک سیستم فاسد سیاسی

فراق نامه

زمان حذف فیزیکی می شود. با محتوایی که خدمت شما ارائه شد می‌توانید نتیجه گیری کنید که با همین شاخص‌ها است که فرقه رجوی توانست در آن محیط جایی برای ماندن پیدا کند، از بسیاری جهات شباهت‌های قابل توجهی بین فرقه رجوی با دولت مردان آلبانیایی وجود دارد، فضایی که می‌توانند یکدیگر را تحمل کرده و از همدیگر استقبال کنند.

از این موارد بسیار است که زمان برای باز کردن همه آنها اندک است و در حوصله این مطلب نمی‌گنجد، بیشتر هدفم این بود که مهر تأییدی بگذارم روی مطالبی که دوستان در فراق به آن پرداخته بودند.

یک جمله اینکه متوفی در اثر خفه گی در آب جان داده است، متوقف گردید.

یا عدم ارائه گزارش مرگ‌هایی که در قرارگاه «شرف ۳» وجود دارد، بیمارستان‌ها به دستور مشخص از سوی وزارت کشور اجازه ارائه برگه پزشک قانونی نیستند و اجازه هم ندارند با هیچ رسانه‌ای مصاحبه کنند.

به لحاظ اقتصادی هم بسیار خلاصه عرض کنم که هر صنفی از مسائل اقتصادی کشور در دستان یک یا دو نفر است، مثل واردات و صادرات میوه، ساختمان سازی، صادرات انسان به ویژه زنان و دختران جوان، باندهای مافیایی که همه چیز مملکت را با زور در اختیار دارند و اگر کسی مخالفت کند در کمترین

برخوردهای دستگاه پلیس که مشخصاً زیر نظر وزارت کشور است مفت و مجانی انجام نمی‌شود، برای اجرای هر پروژه‌ای ابتدا وزیر کشور و یا معاونش به یکی از ساختمان‌هایی که در اختیار فرقه رجوی است رفته و طی یک ملاقات خصوصی پروژه مد نظر برایش تعریف شده و در انتها یک کیف که محتوایش دلارهای نقد است تحویل مقام مربوطه قرار گرفته و راهی انجام مأموریتی می‌شود که از سوی رجوی توجیه شده است.

حتی در مسائل جنایی هم مواردش است، مثل بررسی نحوه درگذشت «مالک شرعی» که به طرز بسیار فجیعی به قتل رسید و در بازرسی و تحقیقات پلیس ناگهان همه چیز با

روایتی از رضا مزگی نژاد، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی

وقتی صدای مادران انتظار را گوش می‌دادم



داشته باشید. شب هم در جمع فاکتش را می‌خوانی. حالا برو سر کارت... ببینید فرقه رجوی چه قدر ضد عاطفه است. آنها حتی تحمل شنیدن صدای مادرانی که فرزندان‌شان سالان سال در چنگ این فرقه گرفتار هستند را ندارند. این قدر از خانواده‌ها ترس دارند که حتی صدایشان را نمی‌توانند تحمل کنند چون در مقابل خانواده‌ها دستشان خالی است.

رفتم بیرون چای بخورم. این همان زمانی بود که خانواده‌ها می‌آمدند پشت سیاح‌های اشرف و فرزندان خودشان را صدا می‌زدند. من گوش می‌دادم ببینم که خانواده من هم آمده‌اند یا نه که یک دفعه فرمانده ام مرا صدا زد و گفت، امروز پکری. به چه چیزی فکر می‌کردی؟ به صدای خانواده‌های مزدورهای بریده فکر می‌کردی؟ باید با خانواده‌ها مرز بندی

رجوی‌ها حتی تحمل شنیدن صدای مادرانی که فرزندان‌شان سالان سال در چنگ این فرقه گرفتار هستند را ندارند.

به گزارش فراق، رضا مزگی‌نژاد، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی در روایتی از نحوه برخورد سازمان با خانواده‌ها نوشت:

من در اشرف در آشپز خانه کار می‌کردم. حدود ساعت ۱۰ صبح بود که

آن سینگلتون، اولین افشا کننده تبهکاری‌های مالی فرقه رجوی

«ایران اید» برای کلاهبرداری به سراغ افراد آسیب پذیر می‌رفت

درباره هویت و شغل آنها در بیاورند، به همین دلیل دو نوع جمع آوری کمک داشتند، یک نوع که عمومی بود و در خیابان ها انجام می‌شد و یک نوع دیگر هم بود که به خانه افرادی که مایل به کمک رسانی بودند می‌رفتند. با این کار سعی می‌کردند افرادی را پیدا کنند که به صورت ماهانه به آنها کمک مالی می‌کنند. فراموش نکنید که سال های سال و هر روزه و در همه جای کشور این کار را انجام می‌دادند. در بین این افراد کسانی هم بودند که بیوه بودند یا خانواده ای نداشتند و برای ایران اید هرچقدر فرد آسیب پذیرتر بود بهتر بود. به این افراد آسیب پذیر می‌گفتند شما که خانواده ای ندارید چرا نمی‌آیید این کودک را تحت سرپرستی بگیرید؟ همانطور که گفتم خیلی جسورانه این کار را می‌کردند. نه را قبول نمی‌کردند و از هر کسی که می‌توانستند کمک مالی می‌گرفتند.

آن سینگلتون گفت: عوامل رجوی بعضی وقت ها پس از اینکه از صبح تا شب در خیابان کمک مالی جمع می‌کردند، اگر در محله های ثروتمند یا باکلاسی مثل آکسفورد یا کمبریج بودند، قبل از اینکه شب به لندن برگردند، می‌رفتند دم درب خانه های مردم، مثلا برنامه ریزی می‌کردند و می‌گفتند این محله ثروتمند را هفته پیش رفتیم، حالا امشب بیاید برویم سراغ خانه های این خیابان. همانطور که گفتم من خودم خیلی در این زمینه استعداد و یا اعتماد به نفس نداشتم برای همین همراه یک نفر دیگر به درب منازل می‌رفتم. یادم هست یکبار درب یک خانه ای را زدیم، صاحبخانه از ما عذرخواهی کرد و گفت ببخشید ما الان وسط یک مراسم ختم هستیم! من در درونم برایشان ناراحت شدم و فکر کردم دیگر بهتر است برویم، اما شخصی که همراهم بود گفت عه مراسم ختم دارید؟ می‌توانیم ما هم بیایم داخل؟ خیلی جا خورد! گفتم اینها دارند برای کسی عزاداری می‌کنند و تو می‌خواهی بروی و از آنها پول بگیری؟ اصلا از هیچ کاری خجالت نمی‌کشیدند و هیچ شرمی نداشتند.



می‌کردند و نمی‌دانستند در حال کمک به یک سازمان نظامی کمک می‌کنند. ما با پلیس تماس گرفتیم و به آنها گفتیم که کی هستیم. برای سازمان خیریه ها نامه نوشتیم و گفتیم ما درباره ایران اید اطلاعاتی داریم و آنها بخشی از منافقین (مجاهدین خلق) هستند. فکر کنم پس از آن بود که همه چیز خیلی عوض شد. چون قبلا هیچ کسی آن قدر مستقیم با آنها تماس نگرفته بود تا ماهیت ایران اید را افشا کند. این کار باعث شد که کمیسیون خیریه ها ملزم بشود موضوع را جدی تر بگیرد و بازرسی هایش را افزایش بدهد.

همسر مسعود خداینده در ادامه گفت: معمولا روش فرقه برای جمع آوری اطلاعات این بود که در خیابان با کسی صحبت می‌کردند و از او کمک مالی می‌گرفتند و بعد می‌گفتند می‌توانم اطلاعات تماس شما را داشته باشم؟ یک نفر با شما تماس می‌گیرد تا به شما اطلاعات بیشتری بدهد و اگر دوست داشته باشید می‌توانید یک کودک را تحت سرپرستی بگیرید. اگر کسی این اشتباه را می‌کرد و اطلاعاتش را به آنها می‌داد، این اطلاعات در بخش جداگانه ای بایگانی می‌شد، بعدها افراد ایران اید به خانه های این اشخاص می‌رفتند و سعی می‌کردند اطلاعات بیشتری

رجوی ها دو نوع جمع آوری کمک داشتند، یک نوع که عمومی بود و در خیابان ها انجام می‌شد و یک نوع دیگر هم بود که به خانه افرادی که مایل به کمک رسانی بودند می‌رفتند، با این کار سعی می‌کردند افرادی را پیدا کنند که به صورت ماهانه به آنها کمک مالی می‌کنند.

به گزارش فراق، عضو سابق فرقه رجوی مقیم بریتانیا در بخشی از مستند ایران اید (خیریه اشرف) اظهار داشت: در اوایل و اواسط دهه ۸۰ بخاطر شیوه های خشونت بار درخواست کمک های مردمی، آمار شکایت ها از ایران اید به شدت بالا رفت. به همین دلیل کمیسیون خیریه ها شروع به بازرسی موضوع کرد، اما کارشان به جایی نمی‌رسید، چرا که فرقه رجوی بهانه و دلایل بسیاری می‌آورد و قول می‌داد که دیگر کارهایی که بخاطرش از آنها شکایت شده را تکرار نکنند و افراد متولی شان را عوض خواهند کرد. در آن زمان من از فرقه (مجاهدین خلق) جدا شده بودم و با همسر مسعود ازدواج کرده بودم، هر دو با هم تصمیم به افشاگری درباره ایران اید گرفتیم، چون به نظرم خیلی غیر منصفانه بود که مردم عادی داشتند فریب می‌خوردند و برخی از آنها هزینه های هنگفتی را به این خیریه اهدا



«آسیلا» نقطه امید صدها برده فکری و جسمی است | امیررضا مبین

مانز و آنسوی سیم خاردارها و فنس ها بیاندازیم، انسان هایی را می بینیم که ایستاده اند و به فنس ها و سیم خاردارهای رجوی، نگاه می کنند و به آزادی و روزهای پس از آن فکر می کنند، همه آنها به تنها نقطه امید در آلبانی، یعنی انجمن آسیلا چشم دوخته اند و این رسالت انجمن آسیلا و آقای حسن حیرانی و سایر دوستانشان را صد چندان می کند، مهم نیست کجا باشی، دور باشی یا نزدیک، مهم این است که انجمن آسیلا در اوج بدرخشد، مهم این است که حسن حیرانی و همسرشان خانم مارگاریتا بالچو، بدانند که سحر نزدیک است، روز آزادی تک تک اسیران فرقه هم فرا خواهد رسید و امروز است که تمام تلاش های سالیان اعضای انجمن آسیلا به بار خواهد نشست، قاطعیت و صلابت حسن حیرانی در پیامی تصویری که از یونان فرستاده بود، ما را هم مطمئن تر کرد که این راه را با شکوه و عظمت و قوام ادامه خواهد داد. چنین ایستادگی در مقابل سران یک فرقه جهنمی، الحق که جای تحسین و تعظیم دارد و در آخر آرزوی قلبی ام این است که تمام دوستان مان در انجمن آسیلا، چه در آلبانی و چه در یونان، بدانند که ما جدادها و خانواده ها با تمام توان، پشتیبان راه و مرام آنها هستیم و منتظر خبر پیروزی های هر چه بیشتر آنها در آینده بسیار نزدیک هستیم. پیروز و سربلند باشید.

غذا خواهد گشت و ...! اما حسن حیرانی ها، ثابت کردند که چنین نیست، می توان بیرون از تشکیلات مسموم فرقه رجوی، به زندگی بازگشت. شغل پیدا کرد، مستقل شد، ازدواج کرد و فرزند دار هم شد. حمید محمد آق آتابای هم که به تازگی از زندان مجاهدین خلق و زندان مانز فرار کرد و به آغوش زندگی بازگشت، در صحبت های اخیر خود گفت که روزی که به انجمن آسیلا پیوست، تولدی دوباره یافت و از نو زنده شد. مریم رجوی با تولد انسان ها و انتخاب زندگی توسط آنها، مشکل دارد. او می خواهد که تا به ابد همه را در زندان های خود، اسیر و برده، نگه دارد. حال این سؤال مطرح است که چرا رهبران فرقه رجوی، علیه اعضای انجمن آسیلا، دست به اقدامات هیستریک زده و میلیون ها دلار و لک هزینه کردند که این انجمن را نابود کنند؟ چرا اسم انجمن آسیلا، چنان وحشتی در دل رهبران فرقه ی رجوی انداخته است که حاضرند بالاترین هزینه ها را متقبل شوند تا قدمی در راستای نابودی این انجمن انجام بدهند؟ پاسخ بسیار ساده است: انجمن آسیلا، کانون حمایت از جدادها و در آلبانی است. انجمن آسیلا نقطه امید دهها و صدها برده فکری و جسمی رجوی است که در زندان مانز، در اسارت به سر می برند. اگر گوشه چشمی به پشت حصارهای

اقدامات کثیف فرقه رجوی و تبانی با بخش فاسد پلیس آلبانی و وزیر کشور آلبانی، شاید در ظاهر موفق به خارج کردن حسن حیرانی از آلبانی شد و او را به کشور یونان فرستادند، اما باطن این قضیه اوج خواری و ذلت رهبران یک فرقه را نشان داد که تحمل یک منتقد را نداشتند و ندارند. به گزارش فراق، امیررضا مبین، عضو نجات یافته از فرقه مخوف رجوی به بهانه توطئه فرقه رجوی علیه حسن حیرانی در آلبانی نوشت:

حسن حیرانی نزدیک به ۵ سال است که با مارگریتا بالچو ازدواج کرده است، این همان نقطه ای است که رهبران فرقه رجوی را خشمگین کرده است، چرا که آنان با اساس زندگی و زنده بودن انسان ها مشکل دارند، آنها با حق انتخاب و آزادی مشکل دارند، مگر می شود تا به ابد انسان ها را در غل و زنجیر بردگی خود نگه داشت؟

حسن حیرانی و سایر دوستانش در انجمن آسیلا ثابت کردند که زندگی بیرون از فرقه رجوی و حصارهایش می تواند برای جدادها و از سازمان مجاهدین خلق ادامه داشته باشد. علیرغم اینکه فرقه از صبح تا شب، تبلیغات مسمومی علیه جدادها و راه انداخته بود و مدام در بوق و کرنا می کرد که هر کس از سازمان جدا شود، به نان شب محتاج خواهد بود، روی خوشی را نخواهد دید، در زباله ها دنبال

علت ماندگاری برخی اعضا در «اشرف ۳»



در مقابل همه این محدودیت ها به صورت دیوانه وار از اعضا کار طاقت فرسا و اطاعت و تایید طلب می شد.

در کنار این دشواری ها جلسات و محاکمه های مختلف جمعی و فردی گسترده برای کل اعضای عادی سازمان نیز شکل گرفت.

جلسات وحشتناکی که در طی سال ۱۳۸۰ به مدت سه ماه رجوی سکان آن را خود به دست گرفت و نزدیک به ۸۰ تن را در آن جلسات در مقابل حضور بیش از سه هزار تن به محاکمه و تمسخر کشید و شخصیت آنان را له کرد.

این اعمال وحشیانه که منجر به تبدیل سازمان به فرقه تمام عیار شد کم کم منجر به خود آگاهی، تنفر دوگانگی و بیزاری بسیاری از اعضا شد.

متأسفانه به دلیل پیچیدگی های خاص و مبانی اولیه دینی که در ذهن بسیاری از افراد کاشته شده بود فرایند رهایی به راحتی امکان پذیر نبود و به همین علت بسیاری از افراد که اذهان ساده تری داشتند با انطباق یافتن با شرایط موجود برای همیشه در دام فرقه باقی ماندند.

و ریزش نیروها از سازمان به صورت گسترده ای شروع شد و رجوی به دنبال مجاب کردن اعضا به ماندن و تسلط هر چه بیشتر بر آنان در آمد. از آن پس قوانین عجیب، شقوق مختلف و احکامی جدید به صورت تصاعدی بر ساختار فرقه افزوده شد.

اعضا در معرض بمباران فکری روزانه قرار می گرفتند به طوری که گاهی زندگی افراد روزها و ساعت ها و حتی ماهها در جلسات مختلف و متعدد فرقه سپری می شد. جلسات مختلفی با نام هایی چون، طلاق همسر، عملیات جاری، خود انتقادی، جلسات دیگ، زدودن فردیت، پیدا کردن نقطه ضعف، غسل روزانه و هفتگی و

از جمله محورها و شرایط عجیب اضافه شده به ضوابط فرقه، طلاق همسر، مجرد ماندن، عدم بارداری زنان، اعلام تنفر از خانواده و همسر بیگانگی نسبت به فرزند و پدر و مادر و بستگان، اقرار کشیشی به گناهان دوران زندگی، اقرار به لحظات فکری اعم از افکار جنسی یا مادی و معنوی، قطع ارتباط با دنیای بیرون، نکوهش ارتباط با خانواده، ایزوله نمودن اعضا و انتقال به کمپ هایی در بیرون شهرها بود.

با استناد به تجربیات تلخ اغلب جداسدهای فرقه رجوی می توان دریافت چگونه سازمان مجاهدین یا همان فرقه رجوی با سوءاستفاده از قوانین اسلامی چون جهاد و شهادت پذیری توانسته است گروه بزرگی از جوانان ایران را در برهه ای از تاریخ به دام انداخته و در فرایند سخت و پیچیده اسیر سازند.

به گزارش فراق، در تعلیمات فرقه رجوی تاکیدی خاصی بر سوءاستفاده از یک سری اصول و عقاید مذهبی وجود داشت؛ چون انتخاب شهادت و شهادت پذیری، فدا کردن جان، مال، خانواده و فرزند، مبارزه علیه ظلم، فداکاری، احقاق حق و عناوین تیرها و مقصودهای زیبا و آرامش بخشی که باعث سحر شدن و گرایش اغلب جوانان می شد.

در راستای این اهرم ها، احکام مذهبی، کم کم با اصول و قواعد فرق و مکاتب دیگر آمیخته شد و اعضا در مکتب فرقه رجوی سرگشته و به ربات تبدیل شدند.

پس از شکست تمام عیار سازمان مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان، جدایی

آن مادر چیزی بیش از یک تماس تلفنی نمی خواهد!

روزنامه نگار آلبانیایی و مدیر رسانه ای انجمن آسیلا

پوچ ترین چیزی که شنیده ام این است که مسعود رجوی و همسرش می گویند خانواده دشمن شماسست. وقتی پدر یا مادری ۳۰ سال برای فرزندش که این سازمان برای برخی مادران آنها را مرده اعلام کرده عزاداری می کند، در حالی که آنها را در سیمای خود سازمان در حال اجرای زنده دیده اند، او چگونه می تواند دشمن باشد



ارتباط نداشته است.
پوچ ترین یافته!

پوچ ترین چیزی که شنیده ام این است که مسعود رجوی و همسرش می گویند خانواده دشمن شماسست. وقتی پدر یا مادری ۳۰ سال برای فرزندش که این سازمان برای برخی مادران آنها را مرده اعلام کرده عزاداری می کند، در حالی که آنها را در سیمای خود سازمان در حال اجرای زنده دیده اند، او چگونه می تواند دشمن باشد. اینکه مادر عزادار است و به دنبال فرزندش است، این سازمان اعضای خود را مجبور می کند تا پدر و مادر خود را دشمن خطاب کنند.

آن مادر چیزی بیش از یک تماس تلفنی نمی خواهد!

موردی جواب داده می شود. آزادی در اینجا کجاست؟

ما خودمان را آزاد و با اصول دموکراتیک تعریف می کنیم به شرطی که همه آنچه را که فکر می کنیم بتوانیم بیان کنیم. آیا این آزادی است که برای خروج از کمپ محل اقامت تا چند متری یا چند کیلومتری خارج از کمپ باید ویزا بگیرند؟ آیا به این می گویند آزادی؟ اما چیزی که بیش از همه در صحبت ها و اعترافات اعضای سابق این سازمان موجب تعجب من شد، این است که حق تشکیل خانواده مجاز نیست.

یکی از اعضای سابق به من گفت که برادرش خیلی نزدیک است، فقط ۳۵ کیلومتر دورتر است و ۷ سال است که با او ملاقات، صحبت و

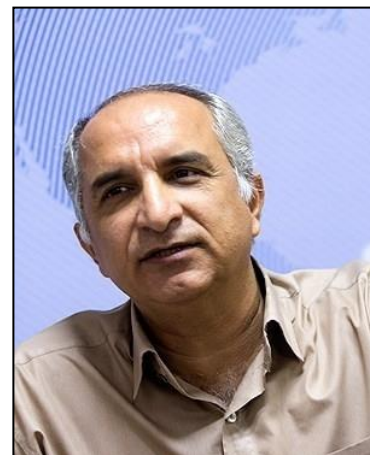
روزنامه نگار آلبانیایی در یادداشتی نوشت: پوچ ترین چیزی که شنیده ام این است که مسعود رجوی و همسرش به اعضای خود می گویند، خانواده دشمن شماسست. به گزارش فراق، در بخشی از یادداشت آلدو سولولاری در رسانه کریستال پلاس آلبانی آمده است: یکی از اصول اصلی دموکراتیک، حق بیان عقیده و داشتن کرامت انسانی است. این در سازمان مجاهدین خلق هرگز عملی نشده است.

برای سازمان مجاهدین خلق حق بیان به این معنی است که شما همه نظرات خود را بر روی یک کاغذ نوشته و تحویل می دهید که ظاهراً توسط مسعود رجوی که رهبر این سازمان است بررسی می گردد و البته کمتر

۳۰ خرداد ۱۴۰۲ یک سرفصل جدید برای فرقه رجوی

باید منتظر خبرهای خوش برای خانواده‌ها و اعضای گرفتار بود

ایرج صالحی - انجمن نجات مرکز مازندران



قضایی، صدها کامپیوتر و دیسک سخت متعلق به فرقه رجوی را ضبط نمود و با خود برد. نباید فراموش کرد این همان پلیسی است که با تکیه بر اطلاعات غلط و همراه کننده ای که سران فرقه تروریستی رجوی در اختیارشان می گذاشتند، در چند سال گذشته موجب آزار و اذیت تعداد زیادی از جدانشدگان و ضایع شدن حقوق آنها و ایجاد فشار بر آنان شده بود. اما با چرخش شرایط همین پلیس در برابر خلافتکاری ها و خرابکاری های فرقه رجوی قرار گرفته است.

۴- رجوی ها تا امروز حتی جرات نکردند یک پیام یا یک اطلاعیه بر علیه دولت آلبانی صادر کنند. رجوی در پیام ۵ تیر خود یک اشاره مستقیم هم به ورود پلیس آلبانی به مقر فرقه نکرد. و مریم رجوی هم به هیچ وجه به این موضوع ورود نمی کند. این رفتار را مقایسه کنید با رفتاری که رجوی ها با پلیس عراق انجام می دادند. پلیس عراق می خواست در داخل خاک کشور خودش یک ایستگاه در قرارگاه اشرف بزند اما رجوی ها با هرچه در توان داشتند کارشکنی کردند و با فریب نیروهای خود و گفتن اینکه پلیس عراق برای دستگیری شما می آید آنها را به درگیری با پلیس عراق کشاندند و بعد پلیس عراق را متهم کردند که مزدور ایران است و چه توهین ها و دشنام ها که به فرماندهان ارتش و پلیس عراق ندادند. اما امروز از ترس آمریکا حتی جرات ندارند درباره آنچه که خودشان «حمله» به مقرشان می خوانند (و البته دروغ است و پلیس با حکم قضایی به آنجا رفته) یک کلمه موضع گیری کنند.

۵- بعد از ورود پلیس آلبانی به مقر فرقه در این کشور و ضبط صدها کامپیوتر و دیسک سخت متعلق به فرقه رجوی، وزارت خارجه آمریکا از اقدام قانونی دولت آلبانی حمایت کرد و در ضمن با صراحت اعلام نمود که این فرقه مردم ایران را نمایندگی نمی کند.

رجوی تنها اجازه یک تجمع ایستاده را داد. فرقه رجوی پیش از این به نام «کمیتة سازماندهی تظاهرات ۱ ژوئیه ۲۰۲۳» درخواست تظاهرات بین ساعت ۱۱ صبح تا ۸ بعدازظهر بین میدان «ووبان» و «مدرسه نظامی» در منطقه هفتم پاریس را کرده بود و برای آن نیز تبلیغات وسیعی انجام دادند. در رای دادگاه که در سایت فرقه درج شده آمده است «دادگاه با توجه به تعهد متقاضیان برای محدود کردن تظاهرات خود به تجمع ایستاده در میدان ووبان از ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر، و افزایش بسیار قابل توجه خدمات امنیتی تضمین شده توسط یک شرکت تخصصی در مشاوره و هماهنگی در موضوع امنیتی و حفاظتی که از سال ۲۰۰۳ برای فرماندهی پلیس شناخته شده است، ... دستور ممنوعیت تظاهرات را معلق کرد».

یعنی اینکه: از سران فرقه تعهد گرفتند که بجای تظاهرات بین میدان «ووبان» و «مدرسه نظامی» در منطقه هفتم پاریس از ساعت ۱۱ صبح تا ۸ عصر، یک «تجمع ایستاده» در میدان «ووبان» فقط از ساعت ۲ تا ۵ عصر داشته باشند. به شرط این که سر کیسه را شل کرده و یک شرکت امنیتی شناخته شده برای پلیس کنترل آنها را بر عهده داشته باشد.

۲- دولت آلبانی در روز ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ با حکم قضایی وارد مقر فرقه رجوی موسوم به اشرف ۳ شد که در نتیجه مقاومت نفرات فرقه که طبعاً به دستور رجوی ها صورت گرفت، تعدادی از نیروهای پلیس و نفرات فرقه زخمی شده و یکی از مسئولین مهم فرقه به نام «عبدالوهاب فرجی» که فرقه رجوی او را با مدارک جعلی به نام «علی مستشاری» به آلبانی بُرد (و این کار را برای بسیاری از مسئولین شناخته شده فرقه کردند و از همان اول با قانون شکنی سر دولت آلبانی را کلاه گذاشتند) کشته شد.

۳- پلیس آلبانی با ورود به مقر فرقه با حکم

سی خرداد ۱۴۰۲ را می توان به عنوان شروع یک سرفصل جدید برای فرقه تروریستی رجوی برشمرد چرا که از آن روز به این سو تحولات مهمی در شرایط و وضعیت این فرقه اتفاق افتاد که با قبل از آن قابل قیاس نیست. این تحولات نشان از آن دارند که سیاست دولت آلبانی به عنوان میزبان تشکیلات اصلی فرقه رجوی، در رابطه اش با این فرقه تغییر کیفی کرده است و نسبت به خطری که از جانب آن احساس کرده واکنش هایی داشته که بتواند خود را از این خطر برهاند و بی شک این اقدامات بدون اطلاع دولت آمریکا نیست. همچنین دولت فرانسه که مقر اصلی فرقه در حومه پایتخت آن قرار دارد نیز سیاست های متفاوتی را نسبت به این فرقه اتخاذ نمود و محدودیت هایی را بر آن اعمال کرد. نگاهی به وقایع چند هفته اخیر می تواند به فهم تاثیر این سرفصل و تغییر سیاست ها و روش ها بر روی فرقه رجوی و همچنین خانواده های چشم انتظار اعضای گرفتار، و انجمن آسیلا به عنوان حامی جدانشدگان از فرقه در آلبانی کمک کند.

۱- دولت فرانسه برنامه راهپیمایی این فرقه در پاریس را ملغی کرد. البته بعداً به ناگهان دادگاهی در این کشور با سرعت به این مسئله ورود نمود. با این حال این دادگاه نیز به فرقه

فراق نامه

دانمارک، نروژ و اتریش با تقبل هزینه رفت و برگشت، هزینه محل اقامت و غذا، به پاریس بردند.

۱۴- تغییر شرایط شور و امید جدیدی در دل خانواده های اعضای گرفتار در فرقه ایجاد نمود و آنها در یک اقدام هماهنگ، با حضور در مقابل سفارت ترکیه در تهران که حافظ منافع آلبانی در ایران است، ضمن تشکر از مقامات آلبانیایی خواستار آن شدند که حداقل حقوق انسانی خودشان و فرزندان شان یعنی انجام ملاقات با فرزندان شان که در فرقه رجوی گرفتار هستند از سوی مقامات کشور آلبانی تضمین گردد.

۱۵- پلیس آلبانی برای بار دوم به مقر فرقه وارد شد و بازرسی های را انجام داد.

از این تحولات می توان نتیجه گرفت که :

۱- شرایط برای فرقه رجوی و در نتیجه برای خانواده های چشم انتظار تغییر کرده است و باید منتظر خبرهای خوشی برای این خانواده ها و اعضای گرفتار در فرقه بود.

۲- این فرقه در بن بست قرار دارد و تاریخ مصرف آن برای اربابانش رو به اتمام است.

۳- رجوی ها تا زور دارند جرم و جنایت می کنند اما به محض اینکه سربه ای را پر زور ببینند مثل موش می شوند.

۴- رجوی برای هیچ کس جز بدبختی و بلا، حاصل دیگری نداشته است. چه آنانی که در صفوف خودش بودند، چه آنانی که به عنوان دشمن او بودند و چه کشورهایی که در بازی سیاست برای دشمنی با ایران یا به هر دلیل دیگری، این فرقه را به کشور خود راه دادند. از سازمان مجاهدین چیزی جز تروریسم، خشونت و فرقه گرایی و قانون شکنی بیرون نمی آید.

۵- آنچه این فرقه در ظاهر نشان می دهد و مدعی آن است با آنچه که در خفا می کنند ۱۸۰ درجه با هم متفاوت است. رجوی ها به هیچ قانون و قراردادی پایبند نیستند تنها در برابر قدرت و استحکام است که مجبور به اطلاعات قانون می شوند.

۶- انجمن آسیلا چشم امید خانواده ها برای کمک به اعضای گرفتاری است که دیر یا زود خود را از چنگ این فرقه رها خواهند کرد. پس باید از آنان حمایت و تقدیر و تشکر نمود.

برنامه سالانه قالب نمودند.

۱۰- در طول همین مهمانی که به اسم برنامه سالانه بود هیچ جلسه ای در رابطه با ورود پلیس آلبانی به مقر فرقه و فرستادن کامپیوترها و دیسک سخت های فرقه به ایران برگزار نشد.

۱۱- هیچ یک از نفرات خارجی شرکت کننده در برنامه فرقه به ورود پلیس آلبانی به مقر فرقه اشاره نکرده و آن را محکوم نکردند. زیرا که خوب می دانند آلبانی بدون مشورت با آمریکا این کار را نکرده است. در غرب، زدن به ایران با هر حرف دروغ یا راستی نه تنها قیمت ندارد بلکه امتیاز هم محسوب می شود اما زدن به آلبانی و دولتی که از آن حمایت می کند خیلی گران تمام خواهد شد و از این رو مهمانان خارجی فرقه خوردند و پاشیدند اما یک کلمه هم بر علیه آنچه در مقر فرقه در آلبانی گذشت حرفی نزدند. شاید هم خود رجوی ها از ترس به آنها گفتند که چیزی در این باره نگویند!

۱۲- سال ها بود که رجوی ها مدعی می شدند در برنامه سالانه آنها بیش از صد هزار ایرانی شرکت می کنند! البته همه می دانیم که این دروغی بیش نیست و بسیاری از خبرگزاری های معتبر دنیا هم گزارش کردند افراد معدود حاضر در برنامه های فرقه در سال های گذشته یا آوارگان سوری و عراقی بودند که از اردوگاه های پناهندگی به امید خوردن غذای گرم و دریافت پول به این برنامه برده شدند یا دانشجویان کشورهای اروپای شرقی و بخصوص لهستانی که با وعده یک تور پاریس گردی به این برنامه ها برده می شدند. اما نکته مهم این است که در برنامه امسال هیچ خبری از حضور ایرانیان نبود و ثابت شد فرقه تروریستی رجوی مورد تنقیر همه ایرانیان قرار دارند حتی کسانی که مخالف جمهوری اسلامی می باشند.

۱۳- در تجمع ایستاده فرقه در روز ۱۰ تیر در پاریس نیز تعداد کمی شرکت داشتند. همین تعداد کم نیز بعد از یک بسیج از سوی سران فرقه تروریستی رجوی به فرانسه برده شدند. به نوشته سایت فرقه که با عکس و فیلم منتشر شد، سران فرقه برای جمع کردن جمعیت در تجمع خود، نفراتی را از کشورهای سوئیس، سوئد، آلمان، انگلیس، هلند، استرالیا،

۶- رسانه های کشور آلبانی که تا قبل از این اقدام پلیس آلبانی نسبت به جداسدگان و منتقدین فرقه تروریستی رجوی نامهربان بودند و برخی از آنها به بنگاهی برای تبلیغ دروغ های رجوی ها بدل شده بودند، تغییر وضعیت داده و اعضای انجمن آسیلا (انجمن حمایت از ایرانیان مقیم آلبانی) و بخصوص اعضای جداسده از فرقه که اکنون عضو آسیلا هستند را به مصاحبه دعوت می کردند.

۷- اعلام شد که دولت آلبانی بخشی از کامپیوترها و سرورهایی که از مقر فرقه گرفته را به ایران فرستاده است. هر چند شخصاً فکر نمی کنم این خبر صحت داشته باشد، اما نکته مهم این است که رجوی ها با ذلت، تنها به دادن یک اطلاعیه آن هم نه به اسم خودشان یا مجاهدین بلکه به اسم شورا بسنده کردند و از آمریکا و آلبانی خواستند تا روشن کنند آیا کامپیوترهای مجاهدین به ایران تحویل شده است یا خیر. دولت های آمریکا و آلبانی هم محل سگ به رجوی ها نگذاشتند و با گذشت حدود یک هفته از درخواست فرقه از دولت آلبانی و بی محلی این دولت به این فرقه تروریستی، رجوی ها حتی یک کلمه هم اعتراض نکردند.

۸- نخست وزیر آلبانی آقای ادی رامادری مصاحبه با یک رسانه آلبانیایی به صراحت گفت که مجاهدین طبق قراردادی که هنگام پذیرش در آلبانی داشته اند حق فعالیت علیه ایران را ندارند والا باید از آلبانی خارج شوند. آقای نخست وزیر از قبل هم محتوای این قرارداد را می دانست و در جریان نقض عهد مجاهدین بود اما حالا متوجه شده با چه فرقه خطرناک و قانون گریزی می مواجه شده که می تواند کشورش را به خطر بیاندازد.

۹- طبق روال، فرقه تروریستی رجوی هر ساله در فرانسه برنامه سالانه برگزار می کرد که امسال اجازه برگزاری آن داده نشد. رجوی ها با ذلت یک سری نفرات ثابت خارجی که گویا روی گرفتن پول بابت حضور و سخنرانی در این برنامه در دخل و خرج سالانه شان حساب باز کرده بودند را به عنوان مهمان به مقر خودشان در فرانسه بردند (زیرا اجازه نداشتند در محل دیگری برنامه برگزار کنند) و چند روز مهمانی و سورچرانی و بخور و بریز را به عنوان

وحشت رهبران فرقه رجوی از دیدار اعضا با خانواده‌هایشان



که انتخاب حق مسلم هر فردی است. این عضو نجات یافته از فرقه رجوی در پایان خطاب به اعضای باقیمانده در آن فرقه خاطرنشان کرد: من از تحصیلات، ازدواج و ۲۵ سال از بهترین سال‌های زندگی‌ام گذشتم؛ وقتی خبر دادند که مادرت در حال مرگ است گفتم اشکال ندارد جان مادرم فدای مردم ایران و سازمان؛ اما وقتی در خود سازمان با تناقضات مواجه شدم احساس کردم راه را اشتباه رفته‌ام؛ ما در خاک عراق با آن‌ها که جوان هایمان را پر پر می‌کردند یکی شده بودیم. از همان موقع فهمیدم که این تشکیلات جای ماندن نیست. سازمانی که مدعی مبارزه با آمریکا و اسرائیل بود اکنون جیره‌خوار آنهاست، «فکر کنید و این راه را رها کنید».

سازمان متوجه «نفوذ عاطفی خانواده‌ها در ذهن اعضا» شد، ملاقات را ممنوع کرد که این نشان از ترس رهبران فرقه از این موضوع دارد. اکرامی اظهار داشت: رجوی گمان می‌کرد که این اعضا می‌توانند خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده تا از کمک‌های مالی آن‌ها استفاده کنند، اما نتیجه عکس اتفاق افتاد؛ اگر سازمان مدعی است که اعضا به انتخاب خود در آن جا مانده اند، به مدت پنج دقیقه اجازه ملاقات بدهد، اگر اعضا بعد از دیدار با خانواده باز بخواهند در سازمان بمانند، حق با فرقه رجوی است. وی ادامه داد: رجوی اعضا را از جدا شدن ترسانده، زیرا گفته هر کسی بخواهد جدا شود باید پنج سال در زندان اشرف و ۱۰ سال هم در زندان ابوقریب بماند در حالی

یک عضو جدا شده از فرقه رجوی با بیان اینکه اعضای فرقه رجوی تشنه دیدار با خانواده‌هایشان هستند، گفت: پس از اینکه سازمان متوجه نفوذ عاطفی خانواده‌ها در ذهن اعضا شد، ملاقات را ممنوع کرد که این نشان از ترس رهبران فرقه از این موضوع دارد. به گزارش فراق، علی اکرامی در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایرنا گفت: در سال ۸۲ وقتی رژیم سابق عراق که بزرگ‌ترین حامی سازمان بود سقوط کرد، تعدادی از خانواده‌ها به امید دیدار عزیزانشان به پادگان اشرف آمدند. به صراحت می‌گویم که اعضا تشنه دیدار با خانواده‌هایشان بودند. خیلی از آن‌ها در فراق خانواده‌هایشان اشک می‌ریختند و به همین دلیل بعد از اینکه



روایت «ابراهیم مرادی» از یک راز سر به مهر برای اولین بار

داستان مادر کرمانشاهی که ناامید از اشرف بازگشت و بین راه رخ در نقاب خاک کشید

گفت. همین چند وقت پیش وقتی یکی از دوستانم می رود ملاقات خانواده چون از قبل در کرمانشاه همدیگر می شناختم. آن ها داستان مادرم را برای پسرشان تعریف می کنند او هم داستان آمدن مادرم تا نقطه ای که فوت کرد را برایم تعریف کرد. دوستم به من گفت اگر امروز من به مقر برگشتم فقط به خاطر این بود که تو را در جریان وقایع تلخ بگذارم ولی فردا با خانواده ام بر می گردم به ایران. هادی قسم خورد تا روزی که زنده است برای گرفتن انتقام مرگی که رجوی پلید به مادرش تحمیل کرد از پای نمی نشیند.

به خدا قسم من هم تا به امروز سر گذشت سراسر رنج و غم هادی را برای کسی تعریف نکردم. هادی بعد از چند روز یک شب ناپدید شد. هیچ کس هم نفهمید چی به سرش آمد. خیلی از خانواده های دیگر چون هادیه که عزیزانشان را به حکم رجوی شقاوت پیشه از دست دادند فوت کردند دنبال فرصتی هستند که رجوی را به دادگاه عدالت بکشانند.

سران تروریست و بردهساز سازمان مجاهدین باید تاوان سختی به دو قشر بزرگ جامعه ایران بدهند. اول به خانواده هایی که فرزندان یا پدران و مادرانشان آمدند ملاقات عزیزانشان ولی رجوی با سنگ و دشنام پاسخشان را داد که اکثرشان دق کردند و ... و دوم خانواده هایی که امروزه شاهد یک پارچگی اتحاد آن ها چه در ایران و چه در خارج خواهان آزادی فرزندان از دام رجوی هستند، یقین بدانید این سیل خروشان در زمان نزدیک دیوار ظلم و کیش خود پرستی رجوی از ریشه بر خواهد کند.

دوستم. صحبت زیادی با او کردم. راضیش کردم که حرفش را بزند اما به یک شرط قسم داد تا زمانی که وضعیت خوب نشده به کسی نگویم. من هم برایش قسم خوردم که حرفش را فاش نکنم. وقتی سرش را بلند کرد داشت صحبت می کرد. تمامی پهنای صورتش از اشک خیس شده بود. دستش را گرفتم با هم رفتیم پشت زمین مزرعه که کسی متوجه حرف زندمان نشود.

هادی گفت من تنها فرزند باقی مانده خانواده با مادرم زندگی می کردم. بقیه خانواده ام را در زمان جنگ از دست دادم. وضع مالی خوبی نداشتیم مادرم را راضی کردم که برای مدت کوتاهی بروم سمت عراق کار کنم. گفت، رفتن همان شد که به دام مجاهدین افتادم. گول خوردم. به هوای کشور خارجه سر از تشکیلات سپاه مجاهدین در آوردم.

چند وقت پیش هم که درب اشرف مدت کوتاهی به روی خانواده ها باز بود، مادرم من هم به راهنمایی یکی از خانواده ها می آید اشرف که شاید مرا پیدا کند اما سازمان گفته همچنین کسی در این جا نیست. گفت مادرم تنها دارائیش من بودم و تنها دلخوشی من هم مادرم بود. وقتی از پیدا کردن من در اشرف یک به جایی نمیرسد با کوهی از اندوه، ناامیدی و با دلی شکسته پر از حسرت به ایران بر می گردد و در نیمه راه به کرمانشاه نرسیده... با دیده های پر از گریان - برای همیشه داغ بی مادری بر دلم ماند.

دیدار با تنها عزیزی که یک بار دیگر او را ببینم به قیامت شد. هادی این موضوع با همان غمی که او را مچاله و رنجور کرده بود

امروز دوستی از من سئوالی کرد که چرا سازمان مجاهدین نه تنها از خانواده هایی که عزیزانشان زنده هستند میترسد بلکه از خانواده هایی که بستگانشان هم در فرقه درگذشتند، میهراسد.

من گفتم سئوال شما به درازای پروسه خود سازمان مجاهدین است. یادم است بعد از سرنوشتی صدام در پادگان نشسته بودیم. تازه چند روزی بود زمزمه اینکه می خواهند درب اشرف را به روی خانواده ها ببندند شروع شده بود. مریم قجر هم پیاپی از فرانسه پیغام و پیغام میداد که بحثهای رهبری از دست ندهید چون رهایی این دنیا و خیر آن دنیا نصیبتان خواهد شد.

اوضاع به دلیل اینکه چند صبحی درب اشرف باز بود و خیلی ها هم با خانواده هایشان رفته بودند پلیسی بود.

سایه ماتم و به هم ریختگی در چهره افراد به خوبی دیده می شد. در این آشفته بازار که اعضا جرئت حرف زدن معمولی با همدیگر را نداشتند جوانی به اسم هادی -البته اسم مستعار بود- که هم یگان بودیم قاطی کرده بود، گوشه های می نشست و به آسمان خیره می شد یا روی زمین مینشست و ساعتها سرش را بین دو زانویش مخفی می کرد.

تعداد زیادی از دوستان سر این موضوع واقعا ناراحت بودیم. فرمانده قرارگاه مرا صدا زد و گفت این که با کسی حرف نمی زند، تو همشهریش هستی برو باهش صحبت کن. اولش قبول نکردم اما فرمانده قرارگاه با تندی گفت، این یک فرمان تشکیلاتی است و تو باید انجامش بدهی.

من هم ناچار شدم قبول کردم. رفتم پیش

بغض‌های در گلوئی حمید آتابای در گفت و گو با شبکه تلویزیونی آلبانی

نگذاشتند خواهر بیمارم قبل از مرگش مرا ببیند

عضو نجات یافته از فرقه رجوی گفت: زندگی که در «شرف» وجود دارد یک زندگی نیست که انسان در جامعه عادی دارد.

به گزارش فراق، حمید آتابای در گفت و گو با شبکه تلویزیونی «TPZ» آلبانی با بغض در گلو گفت: خواهر بیمارم آرزو داشت قبل از مرگش مرا ببیند و جلوی مقرر ما آمده بود، اما سران فرقه رجوی هیچ وقت به من خبر ندادند..

وی از دولتمردان آلبانی درخواست کرد تا اجازه دهند برادر و خواهرش بتوانند برای دیدار با او به آلبانی بیایند یا بگذارند او ۲۴ ساعت در یکی از کشورهای همسایه با آن‌ها ملاقات کند.



بیانیه جریان «عدالت میهن» خطاب به دولتمردان آلبانی

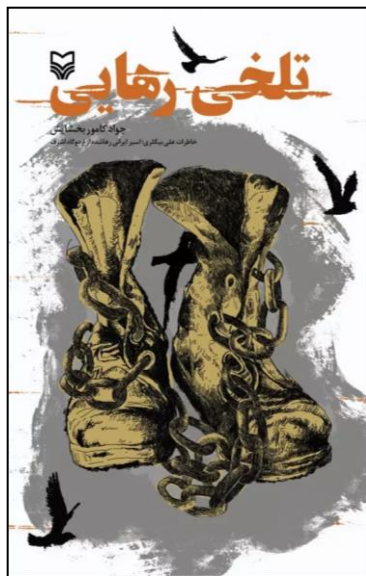
شما شیطان را دعوت کردید، اکنون ثمره اعمال خود را درو می کنید



گروه «عدالت میهن» در آلبانی با انتشار بیانیه ای خطاب به دولتمردان این کشور نوشت: «شما شیطان را به خانه دعوت کردید، اکنون ثمره اعمال خود را درو می کنید»
به گزارش سرویس بین الملل فراق، گروه عدالت میهن از جریان های فعال آلبانی به سرپیچی سران فرقه رجوی از قوانین پلیس این کشور در خصوص عدم اجازه به بازرسی کامل از مقرهای آن ها واکنش نشان داد.
در بخشی از بیانیه این گروه آمده است: «همه این موارد نتیجه اعطای پناهندگی به تروریست ها از سوی دولت آلبانی است که باید عواقب آن را متحمل شود. شما شیطان را به خانه خود دعوت کردید، اکنون ثمره اعمال خود را درو می کنید.»

مروری بر کتاب های مشهور مطالعاتی در حوزه فرقه رجوی

۳ سال ونیم سختی ها و تلخی های اسارت در اردوگاه های عراق، به ویژه کمپ اطفال، در عالم نوجوانی، برای گریز از رنج ها به اردوگاه اشرف پناه برد، اما برخلاف انتظار، آنجا هم حدود ۱۳ سال به معنای واقعی اسیر و زندانی شد. افراد این اردوگاه او را شست و شوی مغزی دادند و مدتی به خدمت گرفتند.



در مقدمه این کتاب آمده است که کتاب «تلخی رهایی» دنیای جدیدی از ادبیات پایداری را به روی خواننده گشوده است؛ چون حال و هوایش شبیه کتاب هایی نیست که با عنوان خاطرات از اسیران (آزاده های) دوران جنگ منتشر شده؛ همچنان که زندگی خود علی بیگری هم مثل زندگی آزاده های دیگر نیست.

تئوری ترور: واکاوی ریشه های تئوریک و عملی مجاهدین خلق/علی بیافرین/دفتر نشر معارف

«تئوری ترور» تلاش دارد تا از جنبه معرفت شناسانه، به فلسفه، چرایی و چگونگی شکل گیری سازمان مجاهدین خلق، تفکرات بنیانگذاران آن، ارتباطشان با نهضت آزادی، ارتباطشان با روحانیت، دلایل اختلافشان با

تاریخی یا تحلیل وقایع پرداخته و در کنار آن به تحلیل اسناد، بازنگری روایات موجود و مصاحبه با افراد مرتبط، روی آورده است.

بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴/مظفر مهرآبادی/مرکز اسناد انقلاب اسلامی

نگارنده در این تحقیق اشاره به پارهای اسناد، خاطرات و روایت اعضای سابق سازمان مجاهدین، چگونگی تبدیل و استحاله ی سازمان را با روش تاریخ شفاهی، بررسی و تحلیل می کند. در کتاب آمده است: بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق، دانشجویان جوانی بودند که با هواداری از نهضت آزادی در دانشگاه ها فعالیت می کردند، اما چون رهبران آن ها را به اندازه ی کافی انقلابی نیافتند، دست به تشکیل این گروه زدند تا به زعم خود مبارزه با رژیم پهلوی را از رخوت و سستی که به آن دچار شده بود، بیرون آورند. با نگاهی به افکار و دیدگاه های بنیان گذاران سازمان، مانند حنیف نژاد، بدیع زادگان و افرادی از این قبیل معلوم می گردد که اگر چه آن ها برخاسته از خانواده های مذهبی بوده و مایه های دینی داشتند، اما به شدت از جریان چپ و به اصطلاح مارکسیستی تاثیر پذیرفته بودند، یا حداقل میان اسلام و مارکسیسم، هیچ گونه تناقض و اختلاف بخصوص در مسائل اجتماعی و اقتصادی نمی یافتند. آنان ضمن مطالعه ی قرآن و نهج البلاغه، آثار مارکس، لنین و مائو را با حرارت و علاقه مطالعه می کردند، حتی روش های سیاسی را به عنوان شیوه ی مبارزه سخت می ستودند.

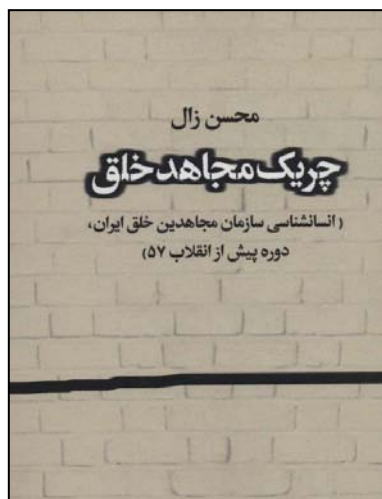
تلخی رهایی: خاطرات علی بیگری: اسیر ایرانی رهانشده از اردوگاه اشرف/جواد کامور بخشایش/سوره مهر

«تلخی رهایی» در ۹ فصل نوشته شده و در پایان نیز اسناد و عکس هایی قرار داده شده اند. راوی این کتاب، علی بیگری، در ۱۷ سالگی در جبهه های غرب به اسارت نیروهای بعثی درآمد و پس از تحمل

در این گزارش به کتاب های مشهور و اخیر در حوزه فرقه رجوی مروری شده است. کتاب های معرفی شده از منظر خاطره، تاریخ شفاهی، اسناد و تحلیل و تفسیر به موضوع پرداختند و نکته جالب روایت بعضی از گرفتارشدگان مجاهدین خلق است که به دلیل قرار گرفتن در درون موضوع از جزئیات بیشتری برخوردار است.

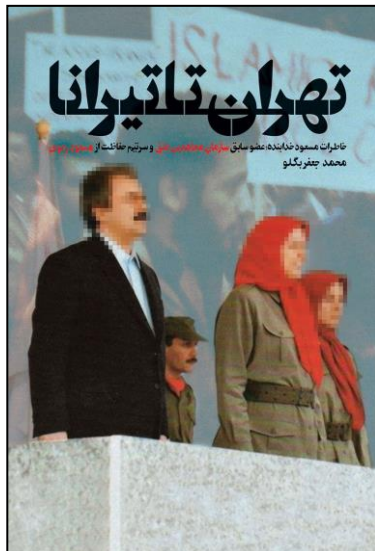
لازم به توضیح است کتاب هایی که به تحلیل رویکرد این سازمان می پردازند بسیار بیشتر از این موارد است و آن ها نیز هر کدام به علت دارا بودن اسناد از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

چریک مجاهدین خلق/محسن زال/ماهیریس



این کتاب درباره تشکیلات «مجاهدین خلق»، نوشته شده است. در این کتاب «محسن زال»، بیش از آن که سخن از «مسعود رجوی» و تشکیلات بر ساخته اش باشد، به نقد هستی شناسی چریک مجاهد، پرداخته می شود. در این پژوهش انسان شناسانه، هدف پژوهشگر، بررسی «نسبت کنشگر و فرهنگ و مناسباتی که در آن قرار می گیرد تا به مجاهد تبدیل شود»، بوده است. بدین معنا که او به فهم شرایط و فرآیندی می پردازد که یک انسان عادی را تبدیل به یک چریک می کند. در این رهگذر، پژوهشگر گاهی به ناچار به وقایع نگاری

خدا بنده، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و سرتیم حفاظت از مسعود رجوی به کوشش محمد جعفر بگلو توسط انتشارات شهید کاظمی در ۱۶۰ صفحه به چاپ رسیده است.



مسعود خدابنده که با نام مستعار «رسول» در سازمان مجاهدین خلق فعالیت می کرد، در تابستان ۱۳۶۰ مسئول مستقیم انتقال محمدرضا کلاهی و مسعود کشمیری (عاملین انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری) بود.

اطلاعات او از پیشینه سازمان، روابط تشکیلاتی، طرح‌های عملیاتی گوناگون، کمپ اشرف، منابع مالی سازمان مجاهدین خلق و پشت‌پرده روابط مسعود رجوی با افراد و گروه‌های مختلف، خواندنی و جالب است.

استراتژی و دیگر هیچ / محمدحسن روزی‌طلب / ایران

گفت‌وگوهای این کتاب با ناصر رضوی در سال ۱۳۹۴ به انجام رسیده است. مصاحبه شونده، طی سال‌های گذشته تجربه‌ای طولانی در حوزه مبارزه با سازمان مجاهدین خلق در وزارت اطلاعات و بخش اطلاعاتی امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشته و به دلیل احاطه کامل به موضوع، اطلاعات و تحلیل‌های قابل تأملی در زمینه‌های مختلف فعالیت این سازمان، به‌خصوص در سال‌های اول انقلاب ارائه می‌کند.

(مسعود بنی صدر) پیش‌تر این چهار دهه و فراز و نشیب‌های زندگی تشکیلاتی و خانوادگی را در کتاب خاطرات یک شورشی ایرانی روایت کرده است.

یک اتوبیوگرافی نفس گیر و تکان دهنده که علیرغم ترجمه کتاب از فرانسه به فارسی و استقبال آن در اروپا اما اقدامی برای انتشار آن در ایران انجام نشده است.

رعد در آسمان بی‌ابر: تاریخ شفاهی مبارزه امنیتی با سازمان مجاهدین خلق (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷) / محمدحسن روزی‌طلب و محمد محبوبی / یا زهرا

مجموعه پیش رو، نتیجه نزدیک به دو سال تلاش نگارنده و همکارشان «محمد محبوبی» برای گفت‌وگو با جوانان دیروز است که همگی در سال‌های گذشته از مقامات ارشد امنیتی کشور بودند.

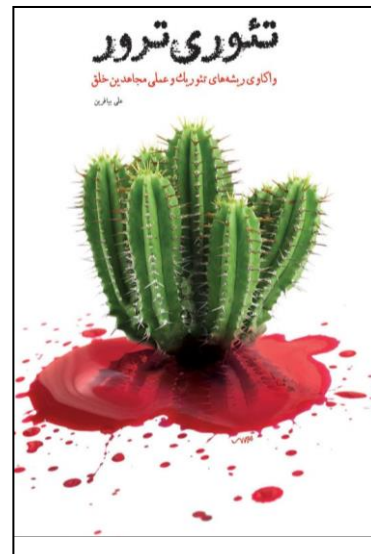
دسترسی به این شخصیت‌ها و جلب اعتماد آنها برای گفت‌وگو، سخت‌ترین بخش کار بود که با حسن ظن آن‌ها ممکن شد؛ هم‌چنین به پاس مجاهدت‌های خاموش و گمنامانه این افراد، در متن به ذکر عنوان آن‌ها اکتفا شده است.

عملیات مهندسی: بررسی کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین خلق ۱۳۶۱ - ۱۳۵۷ / محمدحسن روزی‌طلب و محمد محبوبی / ایران

این کتاب در واقع تاریخ شفاهی کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین خلق است که دوران تاریک و مبهم فعالیت‌های این سازمان را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ مورد بررسی قرار می‌دهد؛ برهه‌ای که فعالیت‌های نظامی مجاهدین موجب می‌شود پس از آن دیگر اجازه فعالیت رسمی در کشور نداشته باشند.

تهران تا تیرانا: خاطرات مسعود خدابنده؛ عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و سرتیم حفاظت از مسعود رجوی / تدوین: جعفر بگلو و فهیمه اسماعیلی / شهید کاظمی

کتاب «تهران تا تیرانا» خاطرات مسعود



اسلام فقهاتی و در یک کلام، بنیان‌های ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق بپردازد.

مجاهدین خلق: از شعار آزادی تا مزدوری و جاسوسی / هادی شبانی / کلک واژه

در این کتاب که از مقطع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا دوران جدا شدن در سال ۱۳۸۳ را دربرمی‌گیرد، به معرفی «سازمان مجاهدین خلق» پرداخته می‌شود. نوشتن این کتاب ۱۱ سال زمان برده است. در این کتاب، سعی شده با در نظر گرفتن همه ابعاد چه در زمینه اعتقادی، سیاسی و تشکیلاتی شناخت کافی به خواننده ارائه شود تا دریابند که این سازمان به اصطلاح مدافع حقوق انسان‌ها تا کجا در منجلاب بی‌حقوقی و «بی‌پرنسیبی» فرو رفته تا جایی که مرزی برای خیانت و وطن‌فروشی باقی نگذاشته است.

فرقه‌های تروریستی و مخرب نوعی از برده‌داری نوین: رهبران، پیروان و مخدوش‌سازی ذهن / مسعود بنی‌صدر / ماهریس

برای درک اهمیت این پرسش و پاسخ کلیدی لازم به یادآوری است که مسعود بنی صدر نه یک عضو ساده که از نزدیک‌ترین افراد به مسعود رجوی رهبر ایدئولوژیک سازمان بوده. تجربه چهار دهه عضویت در بالاترین سلسله مراتب تشکیلاتی را همراه دارد. وی

مهین حبیبی، مادر چشم انتظار پروانه ربیعی عباسی
تو را به خدا صلیب سرخ، به ما مادرها رحم کند



فرزند من ۴۴ سال است که از من دور مانده، تو را به خدا صلیب سرخ، به ما مادرها رحم کند.

مادر چشم انتظار سعید فرج اله حسینی:
آهای مدعیان حقوق بشر کجا هستید؟



آهای مدعیان حقوق بشر کجا هستید تا به فریاد دل ما خانواده ها برسید.

خواهر فریدون پرورش:
دولت آلبانی برادرم را از اسارت رجوی آزاد کند



فریده پرورش خواهر چشم انتظار فریدون پرورش می گوید: من از دولت آلبانی می خواهم هرچه زودتر برادرم را از اسارت مریم رجوی آزاد کند.

دولت آلبانی شرایطی فراهم کند
تا به ملاقات عزیزان خود برویم



طاوس مستانه خواهر چشم انتظار حمداله مستانه گفت: دولت آلبانی شرایطی فراهم کند تا حضوری به ملاقات عزیزان خود برویم.

مادر چشم انتظار آزاده صبور:
چقدر باید در حسرت دیدار فرزندان بمانم



فرزندم ۲۰ سال داشت که اسیر فرقه رجوی شده است، من چقدر باید در حسرت دیدار فرزندان بمانم.

از دولت آلبانی سپاسگزاریم که ثابت کرد
سخنان ما خانواده ها در مورد رجوی درست است



بایرام مستانه، برادر چشم انتظار یکی از اسیران فرقه رجوی گفت: از دولت آلبانی سپاسگزاریم که ثابت کرد سخنان ما خانواده ها در مورد رجوی درست است.



پیام خانواده های عضو انجمن نجات: ما خانواده ها سیاستگذار از اقدام قاطع دولت آلبانی علیه سران فرقه رجوی هستیم و امیدواریم هر چه سریعتر راه ورود ما را به آن کشور به منظور نجات عزیزان خودمان و جامعه آلبانی از خطرهای این فرقه، باز نماید. دولت آلبانی سران این فرقه جنایتکار را باید محاکمه و عزیزان ما را از چنگال این دیو صفتان آزاد کند.



www.feraghnews.ir

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه ای در حوزه افشاگری از فرقه تروریستی رجوی